

خاتمیت دیانت اسلام و مهدویت امام دوازدهم در کتاب بصائر الدرجات (بررسی دیدگاه‌های امید قائم مقامی)

سید مقدار نبوی رضوی، کارشناس ارشد تاریخ اسلام - دانشگاه شهید بهشتی
مریم السادات امامی شوشتری، کارشناس ارشد ادبیات فارسی - دانشگاه الزهراء

چکیده

امید قائم مقامی (دانشیار مطالعات عربی و خاورمیانه در دانشگاه ایالتی نیویورک و از پیروان آیین بهائی) در کتاب *مواجهات با امام غایب در اسلام شیعی اثنی عشری متقدم و پیشامدن به بررسی نسبت کتاب بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد با خاتمیت دیانت اسلام و غیبت و مهدویت امام دوازدهم پرداخته و آن را با این دو آموزه بیگانه گفته است. این مقاله، به عنوان نخستین مکتوب در بررسی و نقد دیدگاه‌های مهدویتی او، بر آن است تا از دو نگاه فکری و روش‌شناسانه به نادرستی دیدگاه او برسد و نشان دهد که کتاب *بصائر الدرجات*، به خودی خود، باور نویسنده اش به خاتمیت دیانت اسلام و مهدویت امام دوازدهم را گویاست.*



کلیدواژه‌ها: کتاب *مواجهات با امام غایب*، کتاب *بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد*، خاتمیت دیانت اسلام و مهدویت امام دوازدهم.

مقدمه

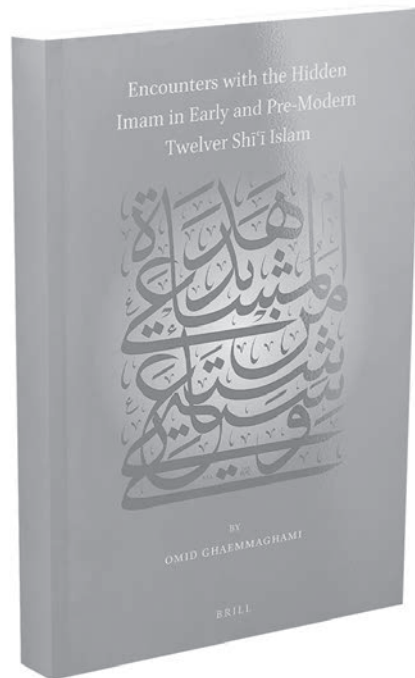
امید قائم مقامی (دانشیار مطالعات عربی و خاورمیانه در دانشگاه ایالتی نیویورک) - که از باورمندان آیین بهائی است - پایان نامه دکتری مطالعات اسلامی خود در دانشگاه تورنتو را پس از انجام پاره‌ای تغییرها، در سال ۲۰۲۰ م. با نام *Encounters with the Hidden Imam in Early and Pre-Modern Twelver Shīʿī Islam* (مواجهات با امام غایب در اسلام شیعی اثنی عشری متقدم و پیشامدرن) و با همکاری انتشارات Brill در هلند به چاپ رساند. استاد راهنمای وی در نگارش آن پایان نامه تاد لاوسن

(استاد بازنشسته مطالعات اسلامی در دانشگاه تورنتو) بود که مانند وی به آیین بهائی باور دارد. او در این کتاب بر آن است تا به ریشه‌یابی اندیشه غیبت امام دوازدهم در مذهب تشیع اثنی عشری و دیدارها با وی بپردازد. این پژوهش، به عنوان نخستین بخش از سلسله تحقیقات بررسی‌کننده دیدگاه‌های او در آن کتاب، به تحلیل نگاهش به نسبت کتاب *بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد* با خاتمیت دیانت اسلام و غیبت و مهدویت امام دوازدهم می‌پردازد، دیدگاه‌هایی که در صفحه‌های ۲۳ تا ۲۶ از کتاب *مواجهات با امام غایب* به دست داده شده‌اند. باید گفت که پیش از این، در مقاله میرزا حسین نوری طبرسی و *آیین‌های بابی و بهائی* (فصلنامه بهائی‌شناسی، ش ۱۶) که مقدمه این سلسله پژوهش‌ها یاد شد، برخی نظرات او - که با کتاب *مواجهات با امام غایب* نیز هم‌مسیرند - بررسی شده‌اند.

کتاب *بصائر الدرجات*

کتاب *بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد* نوشته محمد بن حسن صفار قمی (از یاران امام حسن عسکری و درگذشته به سال ۲۹۰ ق. در قم^۱) است. از آن روی که این کتاب از آثاری است که زمان نگارشش به دوره حضور امامان مذهب تشیع یا بسیار نزدیک به آن دوره بازگشته و نویسنده‌اش از چهره‌های بلندمقام آن مذهب در آن دوره بوده و اصلش تا کنون باقی مانده نه آن که موادش در آثار بعدی آمده

۱. ابوالعباس نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۵۴.



یا مشابه آن در دیگر کتب شیعه مثل *الکافی* و کتب شیخ صدوق و شیخ مفید. بدین سان، کلیت مضامین کتاب مورد وثوق و اعتماد است و می‌توان آن را منتسب به معصوم دانست.

با توجه به کثرت احادیث و ابواب کتاب و با دسته‌بندی آن‌ها، ویژگی مقام امامت از دیدگاه این کتاب روشن شد. افزون بر این، نشان دادیم ذیل هریک از ویژگی‌ها تعداد بسیاری روایت وجود دارند و همین نشان‌دهنده تواتر یا استفاضه مضمونی است.

درباره ارتباط *بصائر الدرجات* با دیگر کتب حدیثی شیعه و میزان اثرگذاری آن بر این کتاب‌ها، به ویژه «کتاب الحجة» کافی، با استفاده از شباهت‌های بسیار در روایات و عناوین ابواب، اثرگذاری شدید *بصائر الکافی* در حوزه مقامات امامان اثبات گردید. نیز اثرپذیری دیگر کتب و حتی جوامع حدیثی متأخر مانند *بحار الأنوار* از *بصائر* در مباحث مقامات الهی امامان روشن گشت.

با عنایت به فرهنگ کتبی انتقال حدیث در شیعه، با کمک برخی روش‌ها، شماری از منابع مکتوب *بصائر الدرجات* که شامل کتاب‌ها و اصول روایی اصحاب ائمه است، از خلال اسناد کتاب شناسایی شد.^۲

رجال‌شناس مشهور شیعه، احمد بن علی نجاشی، محمد بن حسن صفار را صاحب

و خودش از میان رفته باشد، بررسی و تحلیل موادش در شناخت تاریخ‌مندان نسبت به تراز اصالت باورهای شیعی از ارزش بسیار بالایی برخوردار است.

به نوشته صاحب *مرآة الکتب*، محمد بن حسن صفار - که صاحب *الکافی* بسیار از او روایت کرده - دو کتاب با نام «*بصائر الدرجات*» داشت، کبیر و صغیر، که در میان «کتب معتبره» هستند و کبیر به چاپ رسیده است.^۱ همچنین، کتاب *جستارهایی درباره بصائر الدرجات الکبری* پژوهشی ویژه درباره این کتاب و جایگاه مهمش در تراش شیعی امامی اثنی‌عشری است. نتیجه‌گیری محقق و نویسنده کتاب، آنجا که به حوزه مطالعاتی این پژوهش بازمی‌گردد، چنین است:

جلالت قدر و وثاقت صفار مورد اتفاق دانشوران حدیثی و رجالی است. او از فقها و بزرگان حوزه قم بوده و هرگز اتهامی مانند غلو به او وارد نشده است... درباره صحت انتساب کتاب به مؤلف می‌توان به یقین گفت: *بصائر الدرجات* موجود متعلق به صفار است. اعتبار فی الجملة کتاب با استفاده از برخی الگوهای اعتبارسنجی مسلم است، همچون: وثاقت مؤلف، یکسان بودن مشایخ حدیثی صفار در *بصائر* و کتب فقهی او، پدید آمدن تواتر یا استفاضه معنوی در بسیاری از ابواب، یافت شدن بسیاری از احادیث کتاب

۱. المیرزا علی ثقة الإسلام التبریزی، *مرآة الکتب*، ج ۴، ص ۲۱۲.

۲. مجید جعفری ربانی، *جستارهایی درباره بصائر الدرجات*، صص ۳۱۵ و ۳۱۶.

قمی) از محمد بن حسن صفار باز گفته است. وی همچنین، در کتاب *من لا یحضره الفقیه*، در یادکرد از مشایخ خود، نوشته که آنچه را که از روایت‌های محمد بن حسن صفار در آن کتاب هست، به واسطه محمد بن حسن بن احمد بن ولید از او آورده است.^۲ دانسته است که آن راوی استاد شیخ صدوق و یکی از مشایخ روایی اصلی او بود.^۳ شیخ صدوق در برخی جاهای کتاب *من لا یحضره الفقیه* از نامه‌های پرسشی محمد بن حسن صفار به امام حسن عسکری یاد کرده و نوشته که پاسخ‌های امام به صفار - که به خط خود امام بود - اکنون نزد اوست.^۴ وی، همچنین، در کتاب‌های *الأمالی*، *التوحید*، *ثواب الأعمال* و *عقاب الأعمال*، *عیون أخبار الرضا*، *فضائل الأشهر الثلاثة*، *فضائل الشیعة*، *معانی الأخبار* و *علل الشرایع* نیز روایت‌های بسیاری را به واسطه محمد بن حسن بن احمد بن ولید از محمد بن حسن صفار آورده است.^۵ این کثرت نقل گویای

مقام و منزلت در میان شیعیان قم یاد کرده و او را «ثقة عظیم‌القدر» که «در روایت‌هایش انداختگی کم است»، گفته و برخی کتاب‌هایش را نام برده است: کتاب الصلاة، کتاب الوضوء، کتاب الجنائز، کتاب الصیام، کتاب الحج، کتاب النکاح، کتاب الطلاق، کتاب العتق و التدبیر و مکاتبة، کتاب التجارات، کتاب المکاسب، کتاب الصيد و الذبائح، کتاب الحدود، کتاب الدیات، کتاب الفرائض، کتاب الموارث، کتاب الدعاء، کتاب المزار، کتاب الرد علی الغلاة، کتاب الأشربة، کتاب المروءة (المروءة)، کتاب الزهد، کتاب الخمس، کتاب الزکاة، کتاب الشهادات، کتاب الملاحم، کتاب التقیة، کتاب المؤمن، کتاب الأیمان و النذور و الکفارات، کتاب المناقب، کتاب المثالب، کتاب بصائر الدرجات، کتاب ما روی فی أولاد الأئمة، کتاب ما روی فی شعبان، کتاب الجهاد و کتاب فضل القرآن.^۱

گذشته از این، باید گفت که نویسنده *بصائر الدرجات*، جدا از آثاری که نگاشته و بیشترشان از میان رفته، خود در شمار راویان حدیث بوده و برخی روایت‌هایش بازگفته شده و در آثار عصر تدوین آمده‌اند. به عنوان نمونه، شیخ صدوق (د. ۳۸۱ ق.)، چنان که در ادامه خواهد آمد، در کتاب *کمال الدین و تمام النعمة* و برخی دیگر از آثار خود روایت‌هایی را در بحث غیبت و مهدویت امام دوازدهم با یک واسطه (ابن ولید

۲. محمد بن علی بن موسی بن بابویه القمی، *من لا یحضره الفقیه*، ج ۴، ص ۴۳۴: «ما کان فیہ عن محمد بن الحسن الصفار. رحمه الله. فقد رویته عن محمد بن الحسن بن أحمد بن الولید. رضی الله عنه. عن محمد بن الحسن الصفار.»

۳. محمد بن علی بن موسی بن بابویه القمی، *کمال الدین و تمام النعمة*، ج ۲، ص ۵۰۳: «قال مصنف هذا الكتاب. رضی الله عنه: کان أبو جعفر محمد بن علی الأسود. رضی الله عنه. کثیراً ما یقول لی إذا رأنی أختلفت إلی مجلس شیخنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الولید. رضی الله عنه. و أرغب فی کتب العلم و حفظه: لیس یجب أن تكون لك هذه الرغبة فی العلم و أنت ولدت بدعاء الإمام (علیه السلام).»

۴. محمد بن علی بن موسی بن بابویه القمی، *من لا یحضره الفقیه*، ج ۱، ص ۱۴۲؛ ج ۲، ص ۱۵۴؛ ج ۳، ص ۶۸ و ج ۴، ص ۲۰۳.

۵. به عنوان نمونه، نک: محمد بن علی بن موسی بن

۱. أحمد بن علی النجاشی، *رجال النجاشی*، ص ۳۵۴.

آن است که ابن ولید قمی روایت‌های بسیاری را از محمد بن حسن صفار بازگفته و با او همنشینی علمی فراوان داشته است.

با این ترتیب، دانسته می‌شود محمد بن حسن صفار قمی - که از یاران امام حسن عسکری بود و در سال سی‌ام آغاز غیبت امام دوازدهم درگذشت - از چهره‌های مهم مذهب

تشیع بود و کتابش، *بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد*، از نگاه‌های بنیادین در تحلیل تاریخی آموزه‌های آن مذهب است.

کتاب بصائر الدرجات و کتاب مواجهات با امام غایب

امید قائم مقامی در کتاب *مواجهات با امام غایب*، کتاب *بصائر الدرجات* را

با این ترتیب، دانسته می‌شود محمد بن حسن صفار قمی - که از یاران امام حسن عسکری بود و در سال سی‌ام آغاز غیبت امام دوازدهم درگذشت - از چهره‌های مهم مذهب تشیع بود و کتابش، *بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد*، از نگاه‌های بنیادین در تحلیل تاریخی آموزه‌های آن مذهب است.

امید قائم مقامی در کتاب *مواجهات با امام غایب*، کتاب *بصائر الدرجات* را

کتابی «به‌طور قطع غیر موعودگرایانه» یاد کرده و نوشته که در آن کتاب هیچ اشاره‌ای به غیبت

بابویه القمی، الأمالی، صص ۱۰، ۱۲، ۲۰، ۳۷، ۵۵، ۶۲، ۶۴، ۷۶، ۷۹، ۹۸، ۱۰۹، ۱۲۵، ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۴۸، ... و التوحید، صص ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۴۴، ۴۶، ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۱۰۲، ... و ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، صص ۴، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۳۱، ... و الخصال، ج ۱، صص ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۳۳، ۳۵، ... و عیون أخبار الرضا، ج ۱، صص ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۳۰، ۵۶، ۹۵، ۱۱۶، ۲۲۷، ... و فضائل الأشهر الثلاثة، صص ۲۰، ۲۲، ۵۸، ۷۶، ۸۶، ۹۶، ۹۷، ۱۱۱، ۱۲۱، ... و فضائل الشیعة، صص ۲۱، ۳۱، ۳۲، ۳۶، ۷۲، ۷۶، ... و معانی الأخبار، صص ۳، ۹، ۱۸، ۲۳، ۴۶، ۱۰۶، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۷، ۱۴۹، ... و علل الشرایع، ج ۱، صص ۱۰، ۱۳، ۲۸، ۳۱، ۳۷، ۵۶، ۵۸، ۶۴، ۶۶ و ...

امامان نیز «به این تصور که برای امام دوازدهم غیبتی خواهد بود و او همان مهدی موعود یا قائم است، هیچ اشاره‌ای نمی‌کنند»^۱

در میان روایت‌های کتاب *بصائر الدرجات*، دو روایت به‌ویژه از سوی این محقق بررسی شده‌اند، چرا که «ظهور یک پیامبر (نبی) را پس از محمد و سلسله امامان پیش‌بینی می‌کنند» این دو

1. Depuis 1996, Directeur d'études à la section des sciences religieuses de l'EPHE (l'École pratique des hautes études), chaire: «Exégèse et théologie de l'islam shi'ite»

2. Omid Ghaemmaghami, Encounters with the Hidden Imam, p. 23-24.

روایت در باب بیست و دوم آن کتاب آمده‌اند، «اما با این حال، در ادبیات دانشگاهی مورد غفلت واقع شده‌اند» و هردوی آن‌ها، «به‌ویژه اولی، به نظر می‌رساند که بعد از محمد همیشه امامی حاضر خواهد بود تا پیامبر بعدی که به وسیله خدا مبعوث گردد»؛ با این حال، مانند

دفاع می‌کنند.^۲ با این ترتیب، دیده می‌شود که در نگاه این محقق، آن دو روایت، در بستر پذیرش قائم آل محمد در جایگاه یک پیامبر یا یک شبه‌پیامبر جای می‌گیرند و او را صاحب امری نو، کتابی نو، سلطانی نو و احکامی نو به وصف می‌آورند.

همه روایت‌های کتاب *بصائر الدرجات*، «این دو روایت نیز نه اشاره‌ای دارند و نه گویای آنند که هیچ‌یک از این امامان که پیش از ظهور پیامبر بعدی ظاهر می‌شوند، غیبتی خواهند داشت.»^۱

گذشته از آن که نگاه به تنها یک کتاب از آثار باقی‌مانده از دوره حضور امامان (یا نزدیک به آن) بستر دست‌یابی به یک نتیجه‌گیری عمومی و کلی نمی‌تواند بود، با اندکی تأمل در نام همان کتاب، *بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد*، دانسته می‌شود که هدف نویسنده‌اش تنها گردآوری روایت‌های گویای ویژگی‌های بلند امامان اهل بیت بوده است.

آنچه را که آمد، در نکات هفت‌گانه زیر می‌توان دوباره دید:

۱. کتاب *بصائر الدرجات* کتابی «به‌طور قطع غیر موعودگرایانه» بوده و در آن هیچ اشاره‌ای به رخداد غیبت دیده نمی‌شود؛

۲. کمی تعداد روایت‌های گویای دوازده تن بودن امامان در کتاب *بصائر الدرجات* (۵ روایت از ۱۸۸۱ روایت)، داستان

نمودی که این محقق از آن دو روایت به دست داده، نکته‌ای دیگر را نیز گویاست:

اگر منظور از «پیامبر بعدی» قائم بوده باشد، کسی که بر

را «پیچیده‌تر و نگران‌کننده‌تر» کرده است؛

۳. بر پایه ویژگی‌های یادشده برای کتاب *بصائر الدرجات*، باید گفت: بیشتر شیعیان درباره امام غایب در دوران حیرت آینده پس از امام یازدهم هیچ نمی‌دانستند؛

۴. پنج حدیث گویای تعداد امامان در کتاب *بصائر الدرجات* نیز «به این تصور که برای امام دوازدهم غیبتی خواهد بود و او همان مهدی موعود یا قائم است، هیچ اشاره‌ای نمی‌کنند»؛

اساس احادیث دیگر شیعه، امر جدید، کتاب جدید، سلطان جدید و احکام جدیدی را معرفی خواهد کرد که بر اساس دیدگاه امیرمعزی، «به نظر می‌رسد دین جدیدی باشد که اسلام را نسخ می‌کند»، پس این دو حدیث به نظر می‌رسد که از تصور قائم که در سراسر آثار شیعه اثنی عشری دریافت می‌شود و در منابع اسماعیلی مستقیماً در مورد آن سخن به میان آمده، یعنی این که قائم، اگر خودش پیامبر نباشد مانند پیامبر است،

2. Ibid, p. 25-26.

1. Ibid, p. 24-25.

تنها گردآوری روایت‌های گویای ویژگی‌های بلند امامان اهل بیت بوده است. از این روست که کم بودن روایت‌های گویای تعداد امامان و نیز نبود روایتی درباره غیبت امام دوازدهم در آن طبیعی است، چرا که آن کتاب از اساس برای این دو موضوع نگاشته نشده است. گذری بر نام فصل‌های پرشمار کتاب *بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد* (به نوشته‌ی امید قائم‌مقامی: دارای ۱۸۸۱ روایت) درستی این سخن را گویاست؛ به عنوان نمونه:

۱. باب فی العلم أن طلبه فریضة علی الناس؛
۲. باب ثواب العالم و المتعلم؛

۵. دو روایت مغفول در کتاب *بصائر الدرجات*، بدون اشاره به پدیده غیبت، چنین می‌نمایاند که پس از پیامبر اسلام و امامان، پیامبر دیگری نیز خواهد آمد؛

۶. یکی از این دو روایت گویای آن است که پس از پیامبر اسلام تا ظهور پیامبر بعدی، همواره امامی خواهد بود؛

۷. چون در روایت‌های شیعیان اثنی‌عشری، قائم آل محمد دارای امر جدید و کتاب جدید و سلطان جدید و احکام جدید یاد شده، پس این دو روایت، با دست گذاشتن بر آمدن پیامبری دیگر، گویای آنند که قائم آل محمد یک پیامبر یا شبه پیامبر خواهد بود.

غیبت و کتاب *بصائر الدرجات*

آنچه اساس چهار نکته نخست بالاست، نبود هیچ اشاره‌ای به رخداد غیبت امام دوازدهم در کتاب *بصائر الدرجات* و تعداد اندک روایت‌های گویای دوازده‌گانگی امامان است که چنین می‌نمایند که رخ دادن غیبت برای امام دوازدهم در فرهنگ دینی شیعیان جایگاهی نداشته است. در بررسی این دیدگاه باید گفت:

گذشته از آن که نگاه به تنها یک کتاب از آثار باقی‌مانده از دوره حضور امامان (یا بسیار نزدیک به آن) بستر دست‌یابی به یک نتیجه‌گیری عمومی و کلی نمی‌تواند بود، با اندکی تأمل در نام همان کتاب، *بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد*، دانسته می‌شود که هدف نویسنده‌اش



۳. باب معرفة العالم الذى من عرفه عرف الله و من أنكره أنكر الله - تعالى . و السبب الذى يوفق لمعرفته؛
۴. فضل العالم على العابد؛
۵. باب ما أمر الناس بأن يطلبوا العلم من معدنه و معدنه آل محمّد؛
۶. باب فى أئمة آل محمّد مستقى العلم عندهم وأنهم علماء لا يظلمون و لا يجهلون؛
۷. باب فيه خلق أبدان الأئمة و قلوبهم و أبدان الشيعة و قلوبهم لئلا يدخل الناس الغلو فى عجائب علمهم؛
۸. باب فى أئمة آل محمّد حديثهم صعب مستصعب؛
۹. باب فى آل محمّد أنهم الهادون يهدون إلى ما جاء به النبى؛
۱۰. باب فى الأئمة أنهم الصادقون؛
۱۱. باب فى أئمة آل محمّد و أن الله - تعالى - أوجب طاعتهم و مودتهم و هم المحسودون على ما اتاهم الله من فضله؛
۱۲. باب فى أئمة آل محمّد - صلى الله عليه و آله - و أن الله قرنهم بنبيه فى السؤال فقال: «وإنه لذكر لك و لقومك و سوف تسألون»؛
۱۳. باب فى الأئمة يكون عندهم الحلال و الحرام فى الأحوال كلها و لكن لا يجيبون؛
۱۴. باب فى الأئمة أنهم الذين قال الله فيهم أنهم أورثهم الكتاب و أنهم السابقون بالخيرات؛
۱۵. باب فى الأئمة و ما قال فىهم رسول الله بأن الله أعطاهم فهمى و علمى؛
۱۶. باب ما أمر النبى بالإيمان بعلى و الأئمة من بعده و ما أعطوا من العلم و التسليم لهم؛
۱۷. باب فى الأئمة أنهم معدن العلم و شجرة النبوة و مفاتيح الحكمة و موضع الرسالة و مختلف الملائكة؛
۱۸. باب فى الأئمة و أن مثلهم مثل الشجرة التى ذكر الله - تعالى - فيهم و فى علمهم؛
۱۹. باب فى الأئمة أنهم حجة الله و باب الله و ولاة أمر الله و وجه الله الذى يؤتى منه و جنب الله و عين الله و خزنة علمه - جل جلاله و عم نواله؛
۲۰. باب فى الأئمة أنهم شهداء الله فى خلقه بما عندهم من الحلال و الحرام؛
۲۱. باب فى أمير المؤمنين عليه السلام أنه عرف ما رأى فى الميثاق و غيره؛
۲۲. باب فى الأئمة و أن الجن يأتيهم فيسألونهم عن معالم دينهم و يرسلونهم فى حوائجهم و يعرفونهم؛
۲۳. باب فى الأئمة أنه صار إليهم جميع العلوم التى خرجت إلى الملائكة و الأنبياء و أمر العالمين؛
۲۴. باب فى الأئمة أنهم ورثوا علم آدم و جميع العلماء؛
۲۵. باب ما لا يحجب عن الأئمة علم السماء و أخباره و علم الأرض و غير ذلك.

... و

حافظ ابو عبدالله حاکم نیشابوری (د. ۴۰۵ ق.) در «کتاب الفتن و الملاحم» از المستدرک علی الصحیحین^۵ می‌توان نام برد.^۶

در میان اصحاب امامان شیعه و نیز محدثان شیعی مذهب دوره حضور امامان و پس از آن نیز کسانی را می‌توان یافت که به ملاحم‌نگاری

پرداخته‌اند. کتاب ما سنل عن الصادق من الملاحم از علی بن یقطين (د. ۱۸۲ ق.) و کتاب‌هایی با نام الملاحم از کسانی چون حسین بن سعید بن حماد بن مهران اهوازی (خادم امام چهارم شیعیان)، محمد بن ابی عمیر ازدی (از اصحاب امامان هفتم و هشتم شیعیان)، اسماعیل بن مهران بن ابی نصر سکونی (از اصحاب

امام هشتم شیعیان)، محمد بن جمهور عمی (از اصحاب امام هشتم شیعیان)، ابوخیون (از مشایخ روایی محمد بن خالد برقی؛ از اصحاب امامان هشتم و نهم شیعیان)، فضل بن شاذان نیشابوری (از اصحاب امامان هشتم

۵. الترمذی، ج ۴، صص باب‌های ۵۲ تا ۵۴.

۶. الحافظ أبو عبدالله الحاکم النیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، صص ۵۵۷ و ۵۵۸.

۷. تصویر این آثار محدثان سنی مذهب در کتاب الإمام المهدی عند أهل السنة (نوشته شیخ مهدی فقیه ایمانی؛ از عالمان دینی سرشناس حوزه علمیه اصفهان، د. ۱۳۹۹ ش.) - که مجموعه‌ای مهم و عکسبرداری شده از آثار بزرگان اهل سنت در حوزه مطالعات مهدویت است - آمده و از آنجا

برگرفته شد.

همچنین، دیده شد که در میان آثار نویسندۀ کتاب بصائر الدرجات، کتابی با نام «الملاحم» نیز یاد شده است. واژه «ملحمة» (جمع: ملاحم) به معنای «الوقعة العظيمة القتل فی الفتنة» (رخداد پرکشتار در آشوب) و «الحرب ذات القتل

الشدید» (نبرد دارای کشتار زیاد) است^۱ و در فرهنگ اسلامی آشوب‌های آخرالزمان را گویاست.

برخی محدثان تراز اول اهل سنت - که گاه پیش از صاحب بصائر الدرجات (د. ۲۹۰ ق.) یا هم‌زمان و یا پس از زمان حیات او می‌زیستند - روایت‌های ظهور مهدی را در میان «ملاحم» و «فتن» آورده‌اند.

به عنوان نمونه، از حافظ عبدالله بن ابی شیبۀ (د. ۲۳۵ ق.) در «کتاب الفتن» از المصنف^۲ حافظ محمد بن ماجه قزوینی (د. ۲۷۵ ق.) در «باب خروج المهدی» و «کتاب الفتن» از سنن ابن ماجه^۳، حافظ ابو عیسی ترمذی (د. ۲۹۷ ق.) در «کتاب الفتن» از الجامع الصحیح^۴ و

۱. محمد مرتضی الحسینی الزبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۷، ص ۱۴۱.

۲. الحافظ عبدالله بن ابی شیبۀ، کتاب المصنف فی الأحادیث والآثار، ج ۱۵، ص ۱۹۶.

۳. الحافظ محمد بن ماجه قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۲، صص ۲۲ تا ۳۱.

۴. الحافظ أبو عیسی الترمذی، الجامع الصحیح و هو سنن

را در کتاب *علامات الظهور* خود آورده است^۵ و سرانجام، از همه مشهورتر در میان آثار دردسترس شیعی، کتاب *الملاحم سید بن طاووس* است که با نام «الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر» به چاپ رسیده که «کتابی حدیثی و معجزاتی و گویای بشارت‌های نزدیک به ظهور حجة آل

محمد» است.^۶ برخی بخش‌های این کتاب چنین‌اند: «ذکر فتن أربع و حدیث المهدي»، «إن المهدي يهدى إلى أسفار من التوراة»، «إن المهدي يصلحه الله في ليلة واحدة»، «فی ذکر اسم المهدي و صفاته»، «فی ذکر المهدي من آل بیت رسول الله»، «فی عذر مولانا الحسن فی صلح معاوية و بشارته بالمهدي»، «دلایل خروج

المهدي»، «فی صفة أصحاب المهدي»، «فی ذکر عدد رجال المهدي و بلادهم»، «فی أن الرجل الذی یصلی عیسی بن مریم»، «إن المهدي من ولد فاطمة»، «فی عدة أصحاب القائم و تعیین مواضعهم» و....

با این ترتیب، باید گفت: محمد بن حسن صفار نیز در کتاب *الملاحم* خود به این دست گفتارها پرداخته بود و جا نداشت آن‌ها را در کتابی چون *بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد* -

۵. الشیخ آغابزرگ الطهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۷، ص ۲۰۶.
۶. السید علی بن طاووس الحسینی، الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر، مقدمة الناشر، ص ۱۲.

تا یازدهم شیعیان)، علی بن مهزیار اهوازی (از اصحاب امامان هشتم تا یازدهم شیعیان)، حسن بن علی بن فضال (از فطحیان امامی شده، د. ۲۲۴ ق.)،^۱ علی بن ابراهیم قمی (محدث بزرگ شیعه در دوره غیبت صغری)^۲ و... را از این دست آثار می‌توان گفت.

همچنین، شرح حدیث ابی لبید مخزومی که در ابتدای تفسیر *صافی* آمده، نامش *ملاحم القرآن* است.^۳ امام محمد باقر در این حدیث به انجام محاسباتی درباره زمان ظهور تنی چند از قائمان پرداخته و از سال قیام قائم آل محمد نیز سخن گفته که به سال ۲۶۰ ق. و در نتیجه، به قیام امام دوازدهم به امامت

بازمی‌گردد.^۴ خطبه‌ای با نام «خطبة الملاحم» نیز به امام علی بن ابی‌طالب منسوب است که عالم نامدار شیعی مذهب، سید عبدالله شبر، آن

۱. الشیخ آغابزرگ الطهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۱۹، ص ۲۱؛ ج ۱۶، ص ۲۹۷ و ۲۹۸ و ج ۲۲، ص ۱۸۷ تا ۱۸۹.

۲. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، مقدمة المصحح، ص ۱۴.

۳. الشیخ آغابزرگ الطهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۱۳، ص ۱۸۶.

۴. این محاسبات را سید علی محمد باب، در دوره دعوت بابی خود، به قیام امام دوازدهم به امامت در سال ۲۶۰ ق. بازگردانده، اما در دوره دعوت قائمیت خود، همان محاسبات را به سال ۱۲۶۰ ق. و ظهور خود بازگردانده است! نک: شیخ مهدی شیخ‌الممالک قمی، تاریخ بی‌غرض، بخش «تصاویر و اسناد»، سندهای شماره ۵۴ و ۵۵.

با این ترتیب، باید گفت: محمد بن حسن صفار نیز در کتاب *الملاحم* خود به این دست گفتارها پرداخته بود و جا نداشت آن‌ها را در کتابی چون *بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد* - که فضائل آل محمد را گویاست - بیاورد.

که فضائل آل محمد را گویاست - بیاورد.

گذشته از آنچه آمد و از دریچه‌ای روش شناسانه به نتیجه‌گیری کتاب *مواجهات با امام غایب* درباره نسبت کتاب *بصائر الدرجات* با پدیده غیبت و مهدویت امام دوازدهم نگریست، باید گفت که نام نویسنده آن کتاب در میان سلسله راویان برخی روایت‌های گویای دوازده‌گانگی امامان و نیز غیبت و مهدویت امام دوازدهم دیده می‌شود:

مرگ بدون شناخت امام: مرگ جاهلی

۱. شیخ صدوق از استاد خود، محمد بن حسن بن احمد بن ولید (ابن ولید قمی)، از «محمد بن حسن صفار» و سعد بن عبدالله اشعری و عبدالله بن جعفر حمیری از ... از امام جعفر صادق آورده که او، ضمن همراهی با برابری مرگ بدون امام با مرگ جاهلی، گفت که هیچ امامی از امامان اهل بیت از جهان نخواهد رفت مگر آن که جانشین خود را که در علم و سیرت و دعوت مانند اوست، به جای می‌گذارد.^۱ مضمون این روایت مانند روایت‌های گروه دهم از بخش ششم روایت‌هایی است که در ادامه این پژوهش از کتاب *بصائر الدرجات* یاد شده‌اند: «شناخت هر امام نسبت به جانشین خود»: روایت‌های ۴۷ تا ۶۶؛

دوازده‌گانگی امامان

۲. شیخ صدوق از محمد بن علی ماجیلویه و

محمد بن موسی بن متوکل از محمد بن یحیی

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، صص ۲۲۹ و ۲۳۰.

عطار از «محمد بن حسن صفار» از ... از امام جعفر صادق آورده که امامان دوازده مهدی هستند؛^۲

۳. شیخ صدوق از استاد خود، ابن ولید قمی، از «محمد بن حسن صفار» مانند روایت بالا (امامان: مهدیان دوازده‌گانه) را آورده است؛^۳

۴. شیخ صدوق از استاد خود، ابن ولید قمی، از «محمد بن حسن صفار» از ... از سلیم قیس هلالی از عبدالله بن جعفر بن ابی طالب آورده که او نزد معاویه بن ابی سفیان اوصیاء پیامبر اسلام را از قول خود وی تا امام محمد باقر نام برده و سپس: «تکملة اثنی عشر إماماً تسعة من ولد الحسين.» سلیم بن قیس هلالی گفته بود که این نام‌ها را از سلمان و ابوذر و مقداد نیز به نقل از پیامبر اسلام شنیده است؛^۴

همیشگی بودن وجود حجت خداوند

۵. شیخ صدوق از استاد خود، ابن ولید قمی، از «محمد بن حسن صفار» از ... از امام علی بن موسی الرضا آورده که زمین هیچ‌گاه از حجت خداوند خالی نخواهد بود وگرنه اهل خود را فرو خواهد برد.^۵ مضمون این روایت مانند روایت‌های گروه هشتم از بخش ششم روایت‌هایی است که در ادامه این پژوهش از کتاب *بصائر الدرجات* یاد شده‌اند: «لساخت الأرض بأهلها»: روایت‌های

۲۸ تا ۳۳؛

۲. پیشین، ج ۲، ص ۳۳۵.

۳. پیشین، ج ۲، ص ۳۳۵.

۴. محمد بن علی بن بابویه قمی، الخصال، ص ۴۷۷.

۵. پیشین، ج ۱، صص ۲۰۱ و ۲۰۲.

حجت‌های خداوند پس از عیسی بن مریم را به مدت دوپست و پنجاه سال آورده^۵ تا نشانی از سابقه رخداد غیبت در امت‌های پیشینش بدانند؛^۶

تبار و هویت مهدی

۱۰. شیخ صدوق از استاد خود، ابن ولید قمی، از «محمد بن حسن صفار» از ... از سلیم بن قیس هلالی از سلمان فارسی آورده که پیامبر اسلام گفت فرزندان امام علی بن ابی طالب اوصیاء او هستند تا روز قیامت: امام حسن بن علی، امام حسین بن علی و نه تن از فرزندان او و این که مهدی آل محمد (دادگستر جهان) از خاندان او و از اوصیائش از نسل امام حسین بن علی است؛^۷

۱۱. محمد بن یعقوب کلینی از محمد بن یحیی از «محمد بن حسن صفار» از احمد بن ابی عبدالله از ابوهاشم جعفری از امام محمد جواد دوازده‌گانگی امامان را آورده و فرزند امام حسن عسکری را دادگستر جهان گفته است. صفار برای محمد بن یحیی گفته بود که این روایت را ده سال پیش از «حیرت» از احمد بن ابی عبدالله شنیده بود؛^۸

۱۲. علی بن محمد خزاز رازی از ... از «محمد بن حسن صفار» از ... از امام جعفر صادق آورده که نام دوازده امام را برده و امام دوازدهم را «الحجة

۶. شیخ صدوق از استاد خود، ابن ولید قمی، و سعد بن عبدالله اشعری و عبدالله بن جعفر حمیری از «محمد بن حسن صفار» از ... از امام علی بن ابی طالب آورده که زمین هیچ‌گاه از «قائم به حجت» خالی نیست، خواه آشکار و خواه ناشناخته، تا حجت و برهان خداوند به بطلان نگراید؛^۹

۷. شیخ صدوق از استاد خود، ابن ولید قمی، از «محمد بن حسن صفار» از ... از سلیم بن قیس هلالی از امام علی بن ابی طالب آورده که امامان آل محمد با قرآن همراه بوده و هیچ‌گاه از آن جدا نخواهند شد.^{۱۰} مضمون این روایت مانند برخی روایت‌های بخش پنجم روایت‌هایی است که در ادامه این پژوهش از کتاب *بصائر الدرجات* یاد شده‌اند: «خاتمیت»؛

پیشینه غیبت

۸. شیخ صدوق از استاد خود، ابن ولید قمی، و سعد بن عبدالله اشعری و عبدالله بن جعفر حمیری از «محمد بن حسن صفار» از ... از امام جعفر صادق غیبت صالح نبی و همانندی قائم آل محمد با او در غیبت را آورده تا نشانی از سابقه رخداد غیبت در امت‌های پیشینش بدانند؛^{۱۱}

۹. شیخ صدوق از استاد خود، ابن ولید قمی، و سعد بن عبدالله اشعری از «محمد بن حسن صفار» از ... از امام جعفر صادق ناشناختگی

۱. پیشین، ج ۱، صص ۲۸۹ تا ۲۹۲.
۲. پیشین، ج ۱، ص ۲۴۰.
۳. پیشین، ج ۱، صص ۱۳۶ و ۱۳۷.
۴. پیشین، ج ۱، صص ۳ و ۴.

۵. پیشین، ج ۱، ص ۱۶۱.
۶. پیشین، ج ۱، صص ۳ و ۴.
۷. پیشین، ج ۱، صص ۲۶۲ تا ۲۶۴.
۸. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، صص ۵۲۶ و ۵۲۷.

من ولد الحسن» گفته است؛^۱

چگونگی ولادت مهدی

۱۳. شیخ طوسی از ابن ابی جید قمی از ابن ولید قمی از «محمد بن حسن صفار» از ابو عبدالله مطهری از حکیمه دختر امام محمد جواد (عمه امام حسن عسکری) چگونگی ولادت امام دوازدهم در شب ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ ق. را بازگفته است؛^۲

غیبت مهدی

۱۴. شیخ صدوق از استاد خود، ابن ولید قمی، از «محمد بن حسن صفار» از ... از امام علی بن موسی الرضا آورده که همه امامان آشکار کشته خواهند شد تا آن که خداوند برای «این امر» مردی را که مولدش پنهان اما نسبش آشکار است، برانگیزد؛^۳

۱۵. شیخ صدوق از استاد خود، ابن ولید قمی، از «محمد بن حسن صفار» از ... از امام جعفر صادق آورده که آن پسر (غلام)، به سبب ترس از کشته شدن، پیش از قیام، غیبتی خواهد داشت و او منتظری است که مردم در ولادتش به شک می افتند، چرا که خداوند بر آن است تا مردم را

۱. علی بن محمد الخزاز الرازی، کفایة الأثر فی النصوص علی الأئمة الاثنی عشر، صص ۲۶۰ تا ۲۶۴.

۲. محمد بن الحسن الطوسی، کتاب الغیبة، صص ۲۳۴ تا ۲۳۷.

۳. محمد بن علی بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۰.

بیازماید؛^۴

۱۶. شیخ صدوق از استاد خود، ابن ولید قمی، از «محمد بن حسن صفار» از ... از امام محمد باقر آورده که اوصیاء پیامبر اسلام از نسل امام حسین بن علی هستند و اگر روزی رسید که کسی از ایشان دیده نشد، شیعیان باید به خداوند پناه برده و سنتی را که دارند، دست گیرند تا زمان فرج؛^۵

۱۷. شیخ صدوق از استاد خود، ابن ولید قمی، از «محمد بن حسن صفار» از ... از امام محمد باقر آورده که زمان غیبت امام بر مردم خواهد رسید، پس خوشا به حال ثابتن بر امر امامان؛^۶

۱۸. علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (پدر شیخ صدوق) از «محمد بن حسن صفار» از ... از

امام جعفر صادق آورده که زمانی خواهد آمد که شیعیان امام هدایت را نخواهند دید. ایشان باید به آنچه دارند دست یازند تا امر برای شان روشن شود و نیز باید دعای غریق را بخوانند؛^۷

۱۹. شیخ صدوق از استاد خود، ابن ولید قمی، از «محمد بن حسن صفار» از ... از امام جعفر صادق آورده که زمانی خواهد آمد که شیعیان

۴. پیشین، ج ۲، ص ۳۴۶.

۵. پیشین، ج ۱، ص ۳۲۸.

۶. پیشین، ج ۱، ص ۳۳۰.

۷. علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی، الإمامة و التبصرة من الحیرة، ص ۱۲۷.

۲۳. شیخ صدوق از استاد خود، ابن ولید قمی، و سعد بن عبدالله اشعری از «محمد بن حسن صفار» از ... از امام علی بن ابی طالب آورده که مهدی را فرزند یازدهم خود [در امامت] خوانده و او را دادگستر جهان یاد کرده و دوران غیبتش را دوران گمراهی گفته است. این همان روایت بیست و دوم است که پدر شیخ صدوق نیز از ابن ولید قمی از «محمد بن حسن

صفار» آورده است؛^۵

۲۴. علی بن محمد خزاز رازی از استاد خود، شیخ صدوق، از ابن ولید قمی از «محمد بن حسن صفار» از ... از امام علی بن ابی طالب آورده که مهدی را فرزند یازدهم خود [در امامت] خوانده و او را دادگستر جهان یاد کرده و دوران غیبتش را دوران گمراهی

گفته است.^۶ این روایت با تقریب همان روایت بیست و سوم است اما می توان گفت که خزاز رازی آن را از شیخ صدوق شنیده شده نه آن که از کتاب او نوشته باشد؛

فضیلت انتظار امر امامان

۲۵. شیخ صدوق از استاد خود، ابن ولید قمی، از «محمد بن حسن صفار» از ... از امام جعفر

امام هدایت را نخواهند دید، پس باید به آنچه دارند دست یازند تا امر برای شان روشن شود و نیز باید دعای غریق را بخوانند.^۱ این همان روایت هجدهم است که پدر شیخ صدوق نیز از «محمد بن حسن صفار» بازگفته است؛

۲۰. شیخ صدوق از استاد خود، ابن ولید قمی، از «محمد بن حسن صفار» از ... از امام محمد

باقر از پیامبر اسلام آورده که خوشا به حال کسی که قائم آل محمد را دیدار کند در حالی که او را در دوران غیبتش و پیش از قیامتش پیروی کرده است؛^۲

۲۱. شیخ طوسی از ابن ابی جید قمی از ابن ولید قمی از «محمد بن حسن صفار» از ... از امام جعفر صادق آورده که صاحب الامر دو غیبت خواهد داشت، یکی کوتاه و دیگری بلندمدت؛^۳

۲۲. علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (پدر شیخ صدوق) از ابن ولید قمی از «محمد بن حسن صفار» از ... از امام علی بن ابی طالب آورده که مهدی را فرزند یازدهم خود [در امامت] خوانده و او را دادگستر جهان یاد کرده و دوران غیبتش را دوران گمراهی گفته است؛^۴

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، صص ۳۴۸ و ۳۴۹.

۲. پیشین، ج ۱، ص ۲۸۶.

۳. محمد بن الحسن الطوسی، کتاب الغیبة، ص ۱۶۳.

۴. علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی، الإمامة و

التبصرة من الحیرة، صص ۱۲۰ و ۱۲۱.

۵. محمد بن علی بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام

النعمة، ج ۱، صص ۲۸۸ و ۲۸۹.

۶. علی بن محمد الخزاز الرازی، کفایة الأثر فی النصوص علی

الأئمة الاثنی عشر، صص ۲۱۹ و ۲۲۰.

صادق آورده که قائم آل محمد به خون خواهی امام حسین بن علی به پا خواهد خاست؛^۵

۳۰. شیخ صدوق از استاد خود، ابن ولید قمی، از «محمد بن حسن صفار» از ... از امام جعفر صادق آورده که قائم آل محمد منتقم خون امام حسین بن علی خواهد بود؛^۶

قدرت یاران مهدی

۳۱. شیخ صدوق از استاد خود، ابن ولید قمی، از «محمد بن حسن صفار» از ... از امام علی بن الحسین آورده که خداوند، با قیام قائم آل محمد، ناتوانی را از دل‌های شیعیان برداشته و دل‌های ایشان را مانند قطعه‌های آهن کرده و قدرت یک تن از ایشان را مانند قدرت چهل تن خواهد کرد و ایشان حاکمان زمین خواهند بود.^۷

با گمانی معقول می‌توان گفت که این دست روایت‌های سی‌ویک‌گانه‌نمایی از آنچه نویسنده کتاب *بصائر الدرجات* در کتاب *الملاحم* نوشته بود و اکنون از میان رفته، توانند بود. در این روایت‌ها، مهدی و قائم آل محمد وصی دوازدهم پیامبر اسلام و فرزند امام حسن عسکری است که در شب ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ ق. در سامراء به دنیا آمده، دارای غیبت است و دادگستر جهان خواهد بود. مواد این روایت‌های سی‌ویک‌گانه با جای گرفتن کنار دیگر روایت‌های شیعی از تواتر لفظی یا معنوی بسیار بالا بهره‌مند گشته و

۵. پیشین، ص ۶۳.

۶. محمد بن علی بن بابویه القمی، الخصال، ص ۲۱۷.

۷. پیشین، ص ۵۴۱.

صادق از امام علی بن ابی طالب آورده که منتظر امر امامان مانند کسی است که در راه خداوند به خون خود غلطیده باشد؛^۱

آستانه ظهور و روز ظهور مهدی

۲۶. شیخ صدوق از استاد خود، ابن ولید قمی، از «محمد بن حسن صفار» از ... از امام جعفر صادق آورده که میان کشته شدن نفس زکیه و قیام قائم آل محمد پانزده شب زمان است؛^۲

۲۷. شیخ صدوق از استاد خود، ابن ولید قمی، از «محمد بن حسن صفار» از ... از امام جعفر صادق آورده که نخستین کسی که با قائم آل محمد بیعت خواهد کرد جبرئیل است که به شکل پرنده‌ای سفید خواهد بود ...^۳

خونخواهی عاشوراء

۲۸. جعفر بن محمد بن قولویه قمی از ابن ولید قمی از «محمد بن حسن صفار» از ... از امام جعفر صادق آورده که هفتاد هزار فرشته بر بارگاه امام حسین بن علی از سوی خداوند جای گرفته‌اند که از روز عاشوراء سال ۶۱ ق. تا روز قیام قائم آل محمد، در حالی که ژولیده و غبارزده‌اند، براو درود می‌فرستند و برای زوار او دعا می‌کنند؛^۴

۲۹. جعفر بن محمد بن قولویه قمی از ابن ولید قمی از «محمد بن حسن صفار» از ... از امام جعفر

۱. محمد بن علی بن بابویه القمی، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۴۵.

۲. پیشین، ج ۲، ص ۶۴۹.

۳. پیشین، ج ۲، ص ۶۷۱.

۴. جعفر بن محمد بن قولویه القمی، کامل الزیارات، ص ۱۱۹.

اطمینان قلب را در پذیرش درستی شان به دست خواهند داد.^۱

هویت پیامبرانه قائم آل محمد

در میان نکات هفت‌گانه گویای نگاه کتاب *مواجهات با امام غایب* به کتاب *بصائر الدرجات* که در ابتدای این مقاله آورده شدند، نکته‌های پنجم تا هفتم با دست گذاشتن بر دو روایت از آن کتاب که «مغفول» مانده‌اند، برآیند تا قائم آل محمد را - که دارای امر جدید و کتاب جدید و سلطان جدید و احکام جدید یاد شده - یک پیامبر یا یک شبه‌پیامبر بدانند. این دو روایت مغفول از امام جعفر صادق‌اند.

روایت نخست چنان می‌نمایاند که خداوند در پایان حیات پیامبر اسلام به او دستور داد تا «اسم اکبر» و «میراث علم» و «آثار علم نبوت» را به امام علی بن ابی‌طالب بسپارد، چرا که خداوند هیچ‌گاه زمین را از عالمی که به او طاعة الله و ولایة الله شناخته می‌شود و حجت است از زمان وفات هر نبیی تا زمان خروج نبی دیگر، رها نخواهد کرد. بر پایه این دستور، پیامبر اسلام «اسم اکبر»، «میراث علم» و «آثار علم نبوت» را به امام علی بن ابی‌طالب داد.^۲

۱. این پژوهش امیدوار است تا در آینده، همبستگی روایت‌های شیعی مهدویت در انتساب تاریخ‌مندانۀ بشارت مهدویت امام دوازدهم به امامان یازده‌گانه شیعیان را به دست دهد.

۲. محمد بن الحسن الصفار القمی، *بصائر الدرجات*، ص ۴۶۹: عن ابی عبدالله قال: إن الله - تبارک و تعالی - أوحی إلی رسول الله: «إنه قد قضیت نبوتک و استکلمت آیامک. فاجعل الاسم الأكبر و میراث العلم و آثار علم النبوة عند علی

روایت دوم نیز با اشاره به اوصیاء موسی بن عمران، به بشارت وصی او، یوشع بن نون، به ظهور مسیح رسیده و بشارت عیسی بن مریم به ظهور پیامبر اسلام را یاد کرده و حواریان را حافظان «اسم اکبر» (کتاب همراه انبیاء) گفته و به پیوستگی همیشگی وصایت از هر عالمی به عالمی دیگر تا پیامبر اسلام پرداخته و گفتار روایت پیشین درباره دستور خداوند به پیامبر اسلام و سبب آن دستور در همیشگی بودن حجت میان زمان وفات هر نبی تا زمان نبی دیگر را آورده است.^۳

با این ترتیب، باید گفت: خاستگاه آنچه در نگاه نویسنده کتاب *مواجهات با امام غایب* هویت پیامبرانه قائم آل محمد را از کتاب *بصائر الدرجات* بیرون می‌کشد، دو نکته است:

۱. برخورداری قائم آل محمد از امر جدید و کتاب جدید و سلطان جدید و احکام جدید؛
۲. همیشگی بودن حجت میان دو نبی حتی در دوره اسلام.

باید گفت که بستر دست گذاشتن نویسنده

بن ابی طالب! فإنی لا أترك الأرض إلا و لی فیها عالم تعرف به طاعتی و تعرف به ولایتی، حجة بین قبض النبى إلی خروج النبى الآخر.» فأوحى رسول الله بالاسم الأكبر و میراث العلم و آثار علم النبوة إلی علی بن ابی طالب.

۳. پیشین، صص ۴۶۹ و ۴۷۰: عن ابی عبدالله قال: أوصی موسی إلی یوشع بن نون و أوصی یوشع بن نون إلی ولد هارون ... فلم تزل الوصیة یوصیها عالم بعد عالم حتی دفعوها إلی محمد ثم أتاه جبرئیل فقال له: «إنک قد قضیت آیامک. فاجعل الاسم الأكبر و میراث العلم و آثار النبوة عند علی! فإنی لا أترك الأرض إلا و لی فیها عالم یعرف به طاعتی و یعرف به ولایتی، فیکون حجة لمن ولد بین قبض نبی إلی خروج آخر.» فأوحی بالاسم الأكبر و میراث العلم و آثار علم النبوة إلی علی بن ابی طالب.

کتاب *مواجهات با امام غایب بر برخورداری قائم* می‌گذارد.

دیدگاه شیخ احمد شاهرودی «در جواب از اخبار شرع جدید و کتاب جدید و امر جدید» آن است که واژه «جدید» دارای دو معنی است و در دو مفهوم «تازه بی سابقه» و «کهنه دوباره تازه شده» نمود می‌یابد. از آن سوی، بسیاری از روایت‌های دارای این واژه که درباره قائم آل محمد گفته شده‌اند، چنان می‌نمایانند که معنی دوم را باید پذیرفت. به عنوان نمونه، عبارت زیارتی «المعید ربنا به الإسلام جدیداً بعد الانطماس و القرآن غضاً بعد الاندرا»^۱ و عبارت دعایی «اللهم جدد به ما محی من دینک و أحي به ما بديل من کتابک و أظهر به ما

غير من حکمک حتی یعود دینک به و علی یدیه غضاً جدیداً»^۲ و عبارت توصیفی «یرجع الدین علی یدیه غضاً جدیداً»^۳ و عبارت‌های روایی بسیار دیگر گویای آنند که خداوند، با ظهور قائم آل محمد، اسلام را پس از ناپدید شدن تازه کرده و قرآن را پس از کهنگی شکفتن داده و واجبات و سنت را زنده خواهد ساخت نه آن که با ظهور او،

۱. الشیخ محمد باقر المجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۶۷.

۲. الشیخ محمد بن الحسن الطوسی، کتاب الغیبة، ص ۲۷۹.

۳. الشیخ إبراهیم العاملی الکفعمی، المصباح، ص ۱۴۷.

چرا که داعیان بهائی، از میرزا حسینعلی بهاء الله (پیشوای آیین بهائی) و سرآمدانی چون میرزا ابوالفضل گلپایگانی گرفته تا دیگران، همواره بر این ویژگی دست گذاشته و امر جدید را آیین پس از اسلام و کتاب جدید را کتاب آسمانی پس از قرآن و احکام جدید را احکام ناسخ احکام اسلام گفته‌اند؛ با این ترتیب، سید علی محمد باب، در مقام قائم آل محمد و مبشر آیین بهائی، به نسخ دیانت اسلام

پرداخت و دیانت جدید بیان را بنیاد گذاشت و با آوردن آثار و حیانی بیان، کتاب‌هایی جدید را رقم زد که در آن‌ها، به ویژه در کتاب *بیان فارسی*، احکامی جدید نموده شدند.

این دیدگاه همواره از سوی منتقدان مسلمان با مخالفت همراه بوده و نادرست دانسته شده است. این پژوهش، برای شرح آن نقدها، بر آثار شیخ احمد شاهرودی (۱۲۸۲ تا ۱۳۵۰ ق.)، مجتهد خراسان، که آن‌ها را از مهم‌ترین نقدهای اسلامی بر آموزه‌های بابی و بهائی می‌داند، دست

با این ترتیب، باید گفت که نویسنده کتاب *مواجهات با امام غایب*، چون پیشینیان خود از داعیان بهائی، با گزینش برخی روایت‌های شیعی گویای واژه «جدید» برای قائم آل محمد و ناگفته گذاشتن بسیاری از آن‌ها، او را به نادرستی «یک پیامبر یا یک شبه پیامبر» نمایانده و به تحریف سنت شیعی دست زده است. آنچه این تحریف را ناشایست‌تر می‌کند، انجام آن در یک پایان‌نامه دکتری در دانشگاهی معتبر و چاپش در کتابی با ظاهر علمی و با همکاری یک ناشر معتبر جهانی است!

در تحلیل نکته دوم نیز باید گفت که جهان را پایانی است و بر این پایه، یکی از ادیان الهی، خواه دیانت اسلام باشد و خواه دیانتی پس از آن، آیین پایانی خواهد بود؛ پس باید گفت که این دو روایت «مغفول» نمایاننده سنت همیشگی خداوند در «جعل خلیفه» بر روی زمین‌اند اما زمانی پایانی را هم با عنوان یک خروش محبت، سترگ‌ترین واژه، معجزه‌ی بزرگ، کشف امان، سفینه‌ی نجات، پدر گم‌شده؛ فصل دوم: «ظهور رأفت»: رأفت بر تخت ظهور، عفو بی‌کران، ارمغان صلح، نفوذ در قلب‌ها، هدف نهایی، نوش عشق، حاکمان هنگام ظهور، حاکمان بعد از ظهور، تحقق آرزوها، دشمنان و رأفت مهدوی، رحمت بی‌کران، صاحبان مصحف، باب توبه‌ی الهی، پناه‌جویان و فصل سوم: «فرجام کار»: فرجام کفر و نفاق، انتقام خون شهیدان، دزدان خدا، سرانجام ناصیبان، شادی مدینه، جستجوی خانه به خانه، و آخرین مهلت.

دینی تازه و بی سابقه بیاورد. همچنین، باید گفت که گاه عبارت‌هایی چون «مثال جدید» در روایات معنی شده و در سنت جنگاورانه قائم آل محمد در برابر سنت سکوت امامان پیشین یاد شده‌اند.^۱ این معنی آنگاه بیش از پیش نمود می‌یابد که در بسیاری از روایت‌های شیعی، قائم آل محمد وصیی از اوصیاء پیامبر اسلام یاد شده و گستراننده دیانت اسلام خواهد بود نه صاحب آیینی پس از دیانت اسلام.^۲ باید گفت که روایت‌هایی چون آنچه آمد، در کتاب مورد پژوهش امید قائم مقامی (*بصائر الدرجات*) دیده می‌شوند، اما از سوی او ناگفته

گذاشته شده‌اند. این روایت‌ها، چنان که در ادامه این پژوهش آورده شده‌اند، گویای آنند که قائم آل محمد وصی دوازدهم پیامبر اسلام و صاحب «مثال جدید» (ذبح) و «جفرا حمر» (قتل) بوده و با ظهور خود، سرانجام، دیانت اسلام را به اساس خود باز خواهد آورد نه آن که صاحب دیانتی پس از آن باشد.^۳

۱. شیخ احمد شاهرودی، حق المبین، صص ۷۳۷ تا ۷۶۹.
۲. پیشین، صص ۳۰۲ تا ۳۲۱.
۳. برای آگاهی از رحمت زیاد قائم آل محمد در آیین روایات شیعی که در کنار این‌گونه احادیث، باید به شکلی کلی و جمعی تحلیل شود، نک.: محمدحسن شاه‌آبادی، مهر بی‌کران: نگاهی به رأفت امام زمان، فصل اول: «رأفت در غیبت»: کویر غیبت، غم‌خوار شیعه، پدیری دل‌سوز،

با این حال، در ادبیات دانشگاهی مورد غفلت واقع شده‌اند.^۱

خاتمیت و مهدویت در کتاب بصائر الدرجات

آنچه تا اینجا آمد، بررسی نگاه کتاب *مواجهات با امام غایب* به نسبت کتاب *بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد* با خاتمیت دیانت اسلام و مهدویت امام دوازدهم بود و آنچه زین پس می‌آید، تکمله و متمم آن در بررسی روایت‌های محمد بن حسن صفار در این باره است. در هریک از بخش‌های شش‌گانه این گفتار، ابتدا، روایت‌های آن بخش آورده شده و سپس، تحلیل و بررسی‌شان به دست داده شده است.

بخش نخست: تعداد و برخی ویژگی‌های امامان

روایت‌های بخش نخست

۱. پیامبر اسلام (به نقل امام محمد باقر): از اهل بیت من دوازده محدث خواهند بود (ص ۳۲۰، ح ۴)؛

۲. امام محمد باقر و امام جعفر صادق: ما دوازده محدث هستیم (ص ۳۱۹، باب ۵، ح ۲)؛

۳. امام محمد باقر: همگی دوازده امام از آل محمد محدث هستند. پدرم یکی از آنان بود (ص ۳۲۰، ح ۵)؛

۴. امام محمد باقر: اوصیاء علی بن ابی طالب

استثنای مهم باید پذیرند، چرا که زمان آیین پایانی، با اتمام حیات این جهان، پایان خواهد یافت و «نبی آخر»ی برانگیخته نخواهد شد. از آن سوی، همان‌گونه که در ادامه این پژوهش آمده، در برابرین دو روایت «مغفول»، روایت‌های آشکاری در کتاب *بصائر الدرجات* آورده شده‌اند که چنان می‌نمایند که آن آیین پایانی همان دیانت اسلام است و پس از خاتم النبیین و المرسلین، «نبی آخر»ی برانگیخته نخواهد شد. نتیجه منطقی این گفتار آن است که دیانت اسلام همان استثنای مهم سنت همیشگی خداوند در «جعل خلیفه» بر روی زمین بوده و آنجا که خداوند به پیامبر اسلام سپردن آن ودایع را به امام علی بن ابی طالب دستور داده، تنها آن سنت همیشگی را یادش آورده و خاتمیت دیانت اسلام را دانسته گرفته، نه آن که خاتمیت آن را فروکاسته باشد. باید گفت که نویسنده کتاب *مواجهات با امام غایب*، با پرداختن به این دو روایت «مغفول»، روایت‌های آشکار گویای خاتمیت دیانت اسلام در کتاب *بصائر الدرجات* را عامدانه «مغفول» گذاشته و به یک تحریف تاریخی دیگر دست زده است! آنچه این تحریف را ناشایست‌تر می‌کند، سخن او درباره مغفول ماندن این دو روایت در ادبیات دانشگاهی است:

بیست و دومین فصل از *بصائر الدرجات* با عنوان «پیامبر خدا اسم اعظم و میراث نبوت و میراث دانش‌ها را به علی قبل از وفاتش یک‌سر واگذار کرد»، دو حدیث دارد که کنجکاوی برانگیزند اما

1. Omid Ghaemmaghami, Encounters with the Hidden Imam, p. 24.

توان سخن گفتن با فرشتگان) بوده و مانند پیامبر اسلام اند، مگر در ویژگی نبوت. قائم آل محمد از اوصیاء پیامبر اسلام و دوازدهمین امامان است.

بخش دوم: ویژگی های قائم آل محمد

روایت های بخش دوم

۱. امام جعفر صادق: دنیا به پایان نمی رسد مگر آن که مردی از [اهل] من خروج خواهد کرد که به حکم داود (بدون پرسش از دلیل و بینه) داوری خواهد کرد (ص ۲۵۸، باب ۱۵، ح ۱)؛

۲. امام جعفر صادق: دنیا به پایان نمی رسد مگر آن که مردی از ما، اهل بیت، خروج خواهد کرد که به حکم داود (بدون پرسش از دلیل و بینه) داوری خواهد کرد (ص ۲۵۹، ح ۴)؛

۳. امام جعفر صادق: قائم آل محمد به حکم داود (بدون پرسش از دلیل و بینه) داوری خواهد کرد (ص ۲۵۹، ح ۳)؛

۴. امام جعفر صادق: قائم آل محمد مجرمان را به سیمای شان شناخته و ایشان را خواهد کشت (ص ۳۵۶، ح ۸)؛

۵. امام محمد باقر: کسی تمام قرآن را نمی تواند جمع کند مگر اوصیاء (ص ۱۹۳، ح ۴)؛

۶. امام جعفر صادق: قائم آل محمد قرآن علی بن ابی طالب را آشکار خواهد کرد (ص ۱۹۳، ح ۳)؛

۷. امام محمد باقر: قائم آل محمد به اجرای مواد کتاب های امام علی بن ابی طالب خواهد پرداخت (ص ۱۶۲، ح ۲)؛

محدث هستند (ص ۳۲۰، ح ۷)؛

۵. امام علی بن الحسین: علی بن ابی طالب محدث بود و همگی امامان اهل بیت محدث هستند (ص ۳۱۹، باب ۵، ح ۳)؛

۶. پیامبر اسلام (به نقل امام جعفر صادق): علی بن ابی طالب و یازده فرزندش مانند پیامبر اسلام هستند مگر در ویژگی نبوت (ص ۲۸۰، ح ۱۵)؛

۷. پیامبر اسلام (به نقل از امام محمد باقر): امامانی که شریکان علی بن ابی طالب اند، از حسن بن علی و حسین بن علی شروع شده و در نسل حسین بن علی خواهند بود (ص ۱۶۷، ح ۲۲)؛

۸. امام علی بن ابی طالب: من و اوصیائم (از فرزندانم)، همگی، مهدی و محدث هستیم: حسن بن علی، حسین بن علی، علی بن الحسین و سپس هشت تن پس از او، یکی پس از دیگری (ص ۳۷۲، ح ۱۶)؛

۹. امام محمد باقر: امامان دوازده تن هستند و قائم آل محمد آخرین ایشان است (ص ۴۰۴، ح ۴).

بررسی و تحلیل روایت های بخش نخست

امامان از آل محمد دوازده تن هستند که از امام علی بن ابی طالب آغاز شده و در اوصیاء او (یازده فرزندش) پی گرفته می شوند: امام حسن بن علی، امام حسین بن علی، امام علی بن الحسین و هشت تن دیگر، یکی پس از دیگری. ایشان، همگی، مهدی (هدایت شده) و محدث (دارای

۸. امام محمد باقر: قائم آل محمد مجری سنت‌های کتاب امام علی بن ابی‌طالب خواهد بود (ص ۵۱۳، ح ۳۰)؛

۹. امام محمد باقر: صاحب سلاح پیامبر اسلام امام است (ص ۱۸۰، ح ۲۰)؛

۱۰. امام محمد باقر: صاحب سلاح پیامبر اسلام امام است (ص ۱۸۲، ح ۲۷)؛

۱۱. امام جعفر صادق: صاحب سلاح پیامبر اسلام امام است (ص ۱۸۰، ح ۲۲)؛

۱۲. امام جعفر صادق: صاحب امر صاحب سلاح پیامبر اسلام است (ص ۱۸۲، ح ۲۸)؛

۱۳. امام محمد باقر: صاحب سلاح پیامبر اسلام صاحب علم است (ص ۱۸۳، ح ۳۵)؛

۱۴. امام محمد باقر: صاحب سلاح [پیامبر اسلام] صاحب علم است (ص ۱۸۵، ح ۴۰)؛

۱۵. امام جعفر صادق: صاحب سلاح [پیامبر اسلام] صاحب علم است (ص ۱۸۳، ح ۳۴)؛

۱۶. امام علی بن موسی الرضا: سلاح پیامبر اسلام نزد من است (ص ۱۸۵، ح ۴۲)؛

۱۷. امام محمد باقر: عصای موسی که از آدم به میراث رسیده بود، نزد ماست و به قائم آل محمد خواهد رسید. سلاح پیامبر اسلام. که به علی بن ابی‌طالب، حسن بن علی، حسین بن علی و

۱۸. امام جعفر صادق: صاحب سلاح پیامبر اسلام (شمشیر، زره، کلاه خود و پرچم) امام است. زره پیامبر اسلام بر قائم آل محمد اندازه خواهد شد (ص ۱۷۴، ح ۲)؛

۱۹. امام جعفر صادق: سلاح پیامبر اسلام نزد من است. این امر به

کسی می‌رسد که «یلوی له الحنک». پس هنگامی که مشیت خداوند بر آن باشد، خروج کرده و خداوند دست او را بر سر رعیتش خواهد گذاشت (ص ۱۸۶، ح ۴۶)؛

۲۰. امام جعفر صادق: سلاح پیامبر اسلام نزد من است.

این امر به کسی می‌رسد که «یلوی له الحنک». پس هنگامی که مشیت خداوند بر آن باشد، خروج کرده و خداوند دست او را بر سر رعیتش خواهد گذاشت (ص ۱۸۴، ح ۳۹)؛

امام محمد باقر: عصای موسی که از آدم به میراث رسیده بود، نزد ماست و به قائم آل محمد خواهد رسید. سلاح پیامبر اسلام. که به علی بن ابی‌طالب، حسن بن علی، حسین بن علی و علی بن موسی الرضا رسیده است. اکنون نزد من است (ص ۱۸۳، ح ۳۶).

۱. در نگاه برخی عالمان شیعی چون شیخ محمدباقر مجلسی، این عبارت که به قائم آل محمد باقر می‌گردد، کنایه است از انکار وجود او و استهزای به او و یا خشم مخالفان او هنگام ظهورش. (نک: الشیخ محمدباقر المجلسی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۳، ص ۴۴)

۲. در نگاه برخی عالمان شیعی چون شیخ محمدباقر مجلسی، این عبارت که به قائم آل محمد باقر می‌گردد، کنایه است از انکار وجود او و استهزای به او و یا خشم مخالفان او هنگام ظهورش. (نک: الشیخ محمدباقر المجلسی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۳، ص ۴۴)

۲۱. امام جعفر صادق: زره پیامبر اسلام بر قائم آل محمد اندازه خواهد شد (ص ۱۷۵، ح ۴)؛
۲۲. امام محمد باقر: مرگ بدون امام مرگ جاهلی است. امام جعفر صادق: هریک از ما نمی‌میرد مگر آن که جانشین خود را معین می‌کند. قائم آل محمد به حکم آل داود (بدون پرسش از دلیل و بینه) داوری خواهد کرد (ص ۲۵۹، ح ۵)؛
۲۳. امام محمد باقر: قیام قائم آل محمد ناگهانی است و برهم‌زننده دولت و آسودگی منکران ولایت امام علی بن ابی‌طالب خواهد بود (ص ۷۷، ح ۵)؛
۲۴. امام محمد باقر: قائم آل محمد در مکه قیام خواهد کرد و غذای سپاهش تا کوفه از سنگ موسی بن عمران به‌دست خواهد آمد (ص ۱۸۸، ح ۵۴)؛
۲۵. امام جعفر صادق: اصحاب قائم آل محمد در مسجد کوفه خیمه خواهند زد. سپس، قائم آل محمد «مثال جدید» (ذبح) و «جفراحمر» (ذبح) را خارج خواهد کرد و از عرب خواهد کشت. جعفر احمر بر شیعیان قائم آل محمد نخواهد بود (ص ۱۵۵، ح ۱۳)؛
۲۶. امام جعفر صادق: قائم آل محمد در عرب با جفراحمر (ذبح) رفتار خواهد کرد (ص ۱۵۲، ح ۲)؛
۲۷. امام جعفر صادق: صاحب شمشیر از «جفر احمر» - که سلاح در آن بوده و اکنون نزد من است - برای «قتل» بهره خواهد جست (ص ۱۵۰، باب ۱۴، ح ۱)؛
۲۸. امام محمد باقر: صاحب شما بر ابرهای سخت (دارای رعد و برق و صاعقه) - که برایش ذخیره شده‌اند - سوار شده و در آسمان‌های هفت‌گانه سیر خواهد کرد (ص ۴۰۸، باب ۱۵، ح ۱)؛
۲۹. امام محمد باقر: صاحب شما بر ابرهای سخت (دارای رعد و برق و صاعقه) - که برایش ذخیره شده‌اند - سوار شده و در آسمان‌های هفت‌گانه سیر خواهد کرد (ص ۴۰۹، ح ۳)؛
۳۰. امام جعفر صادق: ابرهای سخت (دارای رعد و برق و صاعقه) برای قائم آل محمد ذخیره شده‌اند (ص ۴۰۹، ح ۴)؛
۳۱. امام جعفر صادق: دین اسلام، با اذن الهی، با شمشیر ظاهر شده و به اساس خود باز خواهد گشت (ص ۵۱۸، ح ۵۱)؛
۳۲. امام محمد باقر: پدرم باب خبر دادن از زمان و سبب مرگ پیروان خود را بست تا زمان قیام قائم آل محمد [که باز خواهد شد] (ص ۲۶۲، ح ۱)؛

دنیا به پایان نخواهد رسید مگر آن که مردی از اهل بیت پیامبر اسلام ظهور کند. او همان قائم آل محمد است که به حکم داود نبی (بدون پرسش از دلیل و بینه) داوری خواهد کرد. او مجرمان را خواهد شناخت و خواهد کشت. او قرآن امام علی بن ابی‌طالب را جمع کنند، پس او در زمره آن اوصیاء اسلامی است.

۳۳. امام محمد باقر: قائم آل محمد گویای احادیث صعب و مستصعب اهل بیت و مؤید به تصدیق قرآن در بیان آن هاست (ص ۲۱، ح ۳)؛

۳۴. محمد بن عمرو بن الحسن: قائم آل محمد گویای امر عظیم اهل بیت و مؤید به تصدیق قرآن در بیان آن است (ص ۲۸، ح ۸)؛

۳۵. امام جعفر صادق: قائم آل محمد صاحب مقام تفویض امر است (ص ۳۸۶، ح ۱۰).

امام علی بن ابی طالب را برهم خواهد زد. او صاحب «مثال جدید» (ذبیح) و «جفر احمر» (قتل) است و بر ابرهای سخت (دارای رعد و برق و صاعقه). که برایش ذخیره شده‌اند. سوار شده و در آسمان‌های هفت‌گانه سیر خواهد کرد و سرانجام، دین اسلام، با اذن الاهی و با شمشیر، به اساس خود باز خواهد گشت. قائم آل محمد شکافنده «احادیث صعب و مستصعب» اهل بیت و گویای امر عظیم ایشان و مؤید به تصدیق قرآن در بیان آن امر عظیم است.

بخش سوم: ویژگی‌های مهدی آل محمد

روایت‌های بخش سوم

۱. امام محمد باقر: آدم ابوالبشر [در عالم ذر] پیش از دنیا]، به سبب فراموشی عهد در میثاق بر ولایت پیامبر اسلام و امامان پس از او، در میان رسولان اولوالعزم جای داده نشد. آن رسولان بر ولایت پیامبر اسلام و اوصیاء او و مهدی عزم داشتند (ص ۷۰، ح ۱)؛

۲. امام جعفر صادق: فراموشی آدم ابوالبشر، [در عالم ذر] پیش از دنیا]، بر عهد الاهی درباره پیامبر اسلام، امام علی بن ابی طالب، امام حسن بن علی، امام حسین بن علی و امامان از نسل ایشان بود (ص ۷۱، ح ۴)؛

۳. امام محمد باقر: عزم رسولان اولوالعزم [در عالم ذر] پیش از دنیا] بر پذیرش ولایت پیامبر اسلام، امامان پس از او و مهدی (یاری‌کننده دین خداوند، صاحب دولت الاهی، منتقم از

دینا به پایان نخواهد رسید مگر آن که مردی از اهل بیت پیامبر اسلام ظهور کند. او همان قائم آل محمد است که به حکم داود نبی (بدون پرسش از دلیل و بینه) داوری خواهد کرد. او مجرم را خواهد شناخت و خواهد کشت. او قرآن امام علی بن ابی طالب را آشکار خواهد کرد و چون تنها اوصیاء پیامبر اسلام اند که می‌توانند قرآن را جمع کنند، پس او در زمره آن اوصیاء اسلامی است. او مجری سنت‌های کتاب امام علی بن ابی طالب است، پس همان‌گونه که از اوصیاء اسلامی است، در حدود دیانت اسلام خواهد بود. او صاحب سلاح پیامبر اسلام است، پس چون دیگر امامان (صاحبان پیشین آن سلاح) از علم الاهی برخوردار بوده و صاحب امر است. مرگ بدون امام مرگ جاهلی است و هریک از امامان جانشین خود را معین می‌کند و قائم آل محمد نیز از امامان است. او ناگهان ظاهر خواهد شد و آسودگی منکران ولایت

بررسی و تحلیل روایت‌های بخش دوم

دینا به پایان نخواهد رسید مگر آن که مردی از اهل بیت پیامبر اسلام ظهور کند. او همان قائم آل محمد است که به حکم داود نبی (بدون پرسش از دلیل و بینه) داوری خواهد کرد. او مجرم را خواهد شناخت و خواهد کشت. او قرآن امام علی بن ابی طالب را آشکار خواهد کرد و چون تنها اوصیاء پیامبر اسلام اند که می‌توانند قرآن را جمع کنند، پس او در زمره آن اوصیاء اسلامی است. او مجری سنت‌های کتاب امام علی بن ابی طالب است، پس همان‌گونه که از اوصیاء اسلامی است، در حدود دیانت اسلام خواهد بود. او صاحب سلاح پیامبر اسلام است، پس چون دیگر امامان (صاحبان پیشین آن سلاح) از علم الاهی برخوردار بوده و صاحب امر است. مرگ بدون امام مرگ جاهلی است و هریک از امامان جانشین خود را معین می‌کند و قائم آل محمد نیز از امامان است. او ناگهان ظاهر خواهد شد و آسودگی منکران ولایت

همان ویژگی‌های قائم آل محمد (امام دوازدهم) (یادشده در بخش دوم) است، پس مهدی آل محمد و صاحب نهایی امر همان قائم آل محمد (دوازدهمین وصی پیامبر اسلام) است و در مکه، همراه با ۳۱۳ تن از یاران خویش، به پا خواهد خاست.

بخش چهارم: پادشاهی اهل بیت پیامبر اسلام

روایت بخش چهارم

۱. امام جعفر صادق: مُلک عظیم به اهل بیت پیامبر اسلام باز خواهد گشت (ص ۳۶، ح ۹).

بررسی و تحلیل روایت بخش چهارم

ملک عظیم به اهل بیت پیامبر اسلام باز خواهد گشت.

بخش پنجم: خاتمیت

روایت‌های بخش پنجم

۱. امام محمد باقر: کتابی نزد ماست که نیازمندی‌های انسان‌ها را تا پایان جهان (دنیا) داراست (ص ۱۴۸، ح ۹)؛

۲. امام محمد باقر: تا زمان رفع تکلیف [که همان زمان پایانی جهان است]، کارهای هر مؤمن و کافری، هنگام مرگ، به رسول خدا و امام علی بن ابی طالب نشان داده خواهد شد (ص ۴۲۸، ح ۸)؛

۳. پیامبر اسلام: کتاب خداوند و عترت من تا ورود بر من در حوض از هم جدا نخواهند شد

دشمنان خداوند و گسترش‌دهنده پرستش او بود (ص ۷۰، ح ۲)؛

۴. امام جعفر صادق: عزم رسولان اولوالعزم [در عالم ذر (پیش از دنیا)] بر پذیرش ولایت پیامبر اسلام، امامان پس از او و مهدی (یاری‌کننده دین خداوند، صاحب دولت الاهی، منتقم از دشمنان خداوند و گسترش‌دهنده پرستش او) بود (ص ۷۱، ح ۳)؛

۵. امام محمد باقر: مهدی صاحب نهایی امر و کشنده دشمنان اهل بیت است و هنگام ظهور او، رحمت خداوند و فرجش بر مردم فرود خواهد آمد (ص ۲۴، ح ۱۷)؛

۶. امام صادق: ۳۱۳ تن در مکه یاران مهدی (صاحب حکم دود) خواهند بود (ص ۳۱۱، ح ۱۱).

بررسی و تحلیل روایت‌های بخش سوم

رسولان اولوالعزم بر ولایت پیامبر اسلام و اوصیاء او و مهدی عزم داشتند. آدم ابوالبشر، [در عالم ذر (پیش از دنیا)]، به سبب فراموشی آن عهد - که بر ولایت پیامبر اسلام و امامان پس از او و مهدی بود - اولوالعزم نشد. مهدی صاحب نهایی امر، یاری‌کننده دین خداوند، صاحب دولت الاهی، منتقم از دشمنان خداوند و گسترش‌دهنده پرستش اوست و هنگام ظهور او، رحمت خداوند و فرجش بر مردم فرود خواهد آمد. ۳۱۳ تن یاران مهدی (صاحب حکم دود) در مکه خواهند بود. دیده می‌شود که ویژگی‌های آخرالزمانی مهدی

(ص ۴۱۳، ح ۳)؛

۴. پیامبر اسلام: کتاب خداوند و عترت من تا ورود بر من در حوض از هم جدا نخواهند شد (ص ۴۱۴، ح ۵)؛

۵. پیامبر اسلام: امام علی بن ابی طالب و اوصیاء او، تا زمان ورود بر من در حوض، از قرآن جدا نخواهند شد (ص ۴۹، ح ۶)؛

۶. امام محمد باقر: همواره کتاب خداوند و راهنمایی از ما که به آن راهنمایی می‌کند، خواهند بود تا بر رسول خدا در حوض وارد شوند (ص ۴۱۴، ح ۶)؛

۷. امام محمد باقر: برخی انبیاء رسول نیستند (ص ۲۶، باب ۱۲، ح ۱)؛

۸. امام جعفر صادق: برخی انبیاء رسول هستند و برخی رسول نیستند (ص ۲۶، تتمه باب، ح ۱).

بررسی و تحلیل روایت‌های بخش پنجم

کتابی که گویای همه نیازمندی‌های انسان‌ها تا پایان جهان است، نزد امامان از خاندان پیامبر اسلام است. پیامبر اسلام و امام علی بن ابی طالب تا پایان جهان بر کارهای مردم آگاه‌اند. قرآن و اوصیاء پیامبر اسلام (امام علی بن ابی طالب و امامان پس از او) تا زمان ورود بر پیامبر

اسلام در حوض [در روز رستاخیز] از یکدیگر جدا نخواهند شد. تا آن زمان، همواره یکی از اوصیاء پیامبر اسلام در کنار قرآن خواهد بود و به آن راهنمایی خواهد کرد. برخی انبیاء رسول نیستند و برخی رسولند. با این ترتیب، دانسته می‌شود که دیانت اسلام آخرین راه برگزیده خداوند در این جهان است و پیامبر اسلام، چون برپایه قرآن «خاتم الانبیاء» است، «خاتم المرسلین» هم خواهد بود چون هر رسولی نبی هم هست اما هر نبیی رسول نیست.

بخش ششم: اوصیاء پیامبر اسلام در هر زمان، و تا روز قیامت

روایت‌های بخش ششم گروه اول: جاهلی بودن مرگ بدون امام

۱. امام محمد باقر: هر که بدون امام بمیرد، به مرگ جاهلی مرده است (ص ۵۱۰، ح ۱۵)؛

گروه دوم: علم امام به قرآن و مقدرات

۲. امام علی بن موسی الرضا: حجت خداوند بر خلقش جز به امام به پا نخواهد شد (ص ۴۸۶، ح ۱۳)؛

۳. امام محمد باقر: جانشین امام به ویژگی‌هایی چون ... آگاهی از هر پرسش درباره قرآن شناخته

۱. احزاب: ۴۰: ما کان محمد أباً أحد من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین و کان الله بکل شیء علیماً.

مهدی صاحب نهایی امر، یاری‌کننده دین خداوند، صاحب دولت الاهی، منتقم از دشمنان خداوند و گسترش‌دهنده پرستش اوست و هنگام ظهور او، رحمت خداوند و فرجش بر مردم فرود خواهد آمد. با این ترتیب، دانسته می‌شود که مهدی از اوصیاء پیامبر اسلام و امامان پس از اوست. ۳۱۳ تن یاران مهدی (صاحب حکم داود) در مکه خواهند بود.

زمین بدون امام و حجت خداوند بر بندگانش
باقی نمی ماند (ص ۴۸۵، ح ۴)؛

۱۰. امام جعفر صادق: زمین هیچگاه بدون امام
نخواهد بود (ص ۴۸۶، ح ۱۱)؛

۱۱. امام جعفر صادق: خداوند هیچگاه زمین را
بدون امام رها نخواهد کرد (ص ۴۸۵، ح ۳)؛

۱۲. امام جعفر صادق: زمین یک روز هم بدون
حجت خداوند نخواهد بود (ص ۴۸۵، ح ۵)؛

۱۳. امام جعفر صادق: همواره بر روی زمین
حجتی است که زمین و اهل آن را جزا و به صلاح
نخواهد رساند (ص ۴۸۵، ح ۹)؛

۱۴. امام جعفر صادق: زمین هیچگاه از حجت
عالمی که آنچه از حق میرانده شده را زنده
می کند، خالی نخواهد بود (ص ۴۸۷، ح ۱۷)؛

گروه پنجم: حضور حجت خداوند روی زمین تا چهل روز به قیامت

۱۵. امام جعفر صادق: همواره بر روی زمین،
تا چهل روز پیش از قیامت، حجت خداوند
که حلال و حرام را شناخته و به راه خداوند فرا
می خواند، خواهد بود (ص ۴۸۴، ح ۱)؛

گروه ششم: حضور همیشگی عالم روی زمین

۱۶. امام محمد باقر: همواره بر زمین عالمی از
سوی خداوند بوده است (ص ۴۸۵، ح ۶)؛

۱۷. امام محمد باقر: علمی که با آدم به زمین
آمد، پیوسته به میراث می رسد و زمین بدون عالم

می شود (ص ۴۸۹، باب ۱۳، ح ۱)؛

۴. امام جعفر صادق: در شب قدر، تمام مقدرات،
از سوی خداوند، به آگاهی صاحب زمین - که
اکنون من هستم - می رسد (ص ۲۲۱، ح ۴)؛

۵. امام جعفر صادق: امروز، هادی [به تعالیم
رسول خدا] منم. قرآن همواره زنده است و در
باقی ماندگان صاحبان منصب هدایت، چون
گذشتگان ایشان، جریان خواهد داشت (ص
۳۱، ح ۹)؛

۶. امام جعفر صادق: همانا برای قرآن تأویل هایی
است که برخی از آن ها آمده و برخی نیامده
است. هنگامی که تأویل آن در زمان امامی از
امامان بیاید، امام آن زمان آگاه خواهد شد (ص
۱۹۵، ح ۵)؛

گروه سوم: مقام توّسم

۷. امام جعفر صادق: مقام «توّسم» (شناخت
کامل مخاطب: این فی ذلک لآیات للمتوسّمین)
تا ابد در امامان است (ص ۳۸۷، ح ۱۳)؛

گروه چهارم: حضور حجت خداوند همیشه بر زمین

۸. امام علی بن ابی طالب: مقام «توّسم»
(شناخت کامل مخاطب: این فی ذلک لآیات
للمتوسّمین) از آن رسول خدا و پس از او از آن من
و امامان از ذریه من است (ص ۳۵۶، ح ۹)؛

۹. امام محمد باقر: از هنگام مرگ آدم، همواره بر
زمین امامی بود که راهنمایی به سوی خداوند از
راه او بود و او حجت خداوند بر بندگانش بود و

نخواهد بود (ص ۱۱۴، ح ۲)؛

۱۸. امام محمّد باقر: علمی که همواره با آدم همراه بود، بالا نرفت و به میراث می‌رسد و علی بن ابی طالب عالم این امت بود و هرگز عالمی از ما نمیرد، مگر آن که از اهلش جانشینی دارد که مانند علم او یا آنچه را که خداوند بخواند، می‌داند (ص ۱۱۵، ح ۴)؛

۱۹. امام محمّد باقر: علم نازل‌شده با آدم بالا نرفت و هیچ عالمی نمیرد که علمش نیز برود (ص ۱۱۶، ح ۷)؛

۲۰. امام محمّد باقر: علمی که همواره با آدم بود، بالا نرفت و هیچ عالمی نمیرد که علمش از میان برود (ص ۱۱۶، ح ۱۱)؛

۲۱. امام جعفر صادق: همواره بر روی زمین عالمی هست (ص ۴۸۵، ح ۷)؛

۲۲. امام جعفر صادق: زمین بدون عالمی که مورد نیاز مردم است و حلال و حرام را می‌داند، رها نمی‌شود (ص ۴۸۵، ح ۸)؛

۲۳. امام جعفر صادق: علمی که با آدم پایین آمد، بالا نرفت و عالمی نمی‌میرد، مگر آن که علمش را به میراث خواهد گذاشت و همانا زمین بدون عالم نخواهد ماند (ص ۱۱۶، ح ۹)؛

۲۴. امام جعفر صادق: علمی که با آدم پایین آمد، بالا نرفت و هیچ عالمی نمیرد که علمش از میان برود (ص ۱۱۶، ح ۱۱)؛

۲۵. امام جعفر صادق: علی بن ابیطالب عالم بود و علم به میراث می‌رسد و هیچ‌گاه، تا ابد،

عالمی نمیرد، مگر آن که برای پس از او کسی خواهد بود که مانند علم او یا آنچه را که خداوند بخواند، می‌داند (ص ۱۱۸، ح ۲)؛

گروه هفتم: امام بودن یکی از دو نفر

۲۶. امام جعفر صادق: اگر بر روی زمین نباشد مگر دو تن، یکی از آن دو امام خواهد بود (ص ۴۸۷، ح ۲)؛

۲۷. امام جعفر صادق: اگر بر روی زمین نباشد مگر دو تن، یکی از آن دو امام همنشینش خواهد بود (ص ۴۸۷، ح ۳)؛

گروه هشتم: لساخت الأرض بأهلها

۲۸. امام محمّد باقر: زمین بدون امام، چون موج دریا، اهل خود را فرو خواهد برد (ص ۴۸۸، ح ۳)؛

۲۹. امام جعفر صادق: زمین بدون امام فرو می‌رود (ص ۴۸۸، ح ۲)؛

۳۰. امام علی بن موسی الرضا: زمین بدون امام اهل خود را فرو خواهد برد (ص ۴۸۸، ح ۴)؛

۳۱. امام علی بن موسی الرضا: زمین بدون امام اهل خود را فرو خواهد برد (ص ۴۸۹، ح ۶)؛

۳۲. امام علی بن موسی الرضا: زمین بدون امام اهل خود را فرو خواهد برد (ص ۴۸۹، ح ۷)؛

۳۳. امام علی بن موسی الرضا: اگر زمین چشم‌برهم‌زدنی از حجت خداوند خالی باشد، اهل خود را فرو خواهد برد (ص ۴۸۹، ح ۸)؛

گروه نهم: همیشگی بودن حجت از اهل بیت

۳۴. پیامبر اسلام (به نقل از امام علی بن ابی طالب): شب قدر که در آن «کل امر» بر من فرود می‌آید، پس از من هم خواهد بود و پس از من، «کل امر» بر علی بن ابی طالب فرود خواهد آمد (ص ۲۲۴، ح ۱۶)؛

۳۵. پیامبر اسلام (به نقل از امام علی بن ابی طالب): ولی شما علی و پس از او وصیش است و در هر زمان، عالمی که اتمام حجت خداوند را سبب شود، خواهد بود (ص ۴۹۸، ح ۹)؛

۳۶. امام علی بن ابی طالب: تا زمان قیام ساعت [که همان روز رستاخیز است]، همواره کسی از ما خواهد بود که از علم دوم خداوند که مورد آگاهی فرشتگان، رسول خدا و خاندانش است، آگاه است (ص ۱۱۱، ح ۹)؛

۳۷. امام علی بن ابی طالب: امامان از ذریه من تا روز قیامت خواهند بود (ص ۳۵۷، ح ۱۳)؛

۳۸. امام علی بن الحسین: اوصیاء رسول خدا (امام علی بن ابی طالب، امام حسن بن علی، امام حسین بن علی و جانشینان ایشان) تا قیام ساعت خواهند بود (ص ۳۹۵، ح ۳)؛

۳۹. امام محمد باقر: همواره از میان ما راهنمایی هست که به آنچه پیامبر اسلام آورد، راهنمایی می‌کند (ص ۲۹، باب ۱۳، ح ۱)؛

۴۰. امام محمد باقر: خداوند هیچ‌گاه زمین را بدون عالمی از وارثان رسول خدا و علی بن ابی طالب که آگاه به حلال و حرام است و مردم به او نیازمندند و او به ایشان نیازی ندارد، رها نخواهد کرد (ص ۳۲۷، ح ۷)؛

۴۱. امام محمد باقر: منصب هدایت، تا قیام ساعت، در میان ماست (ص ۳۰، ح ۷)؛

۴۲. امام جعفر صادق: خداوند همواره از ما، اهل بیت، کسی را دانای به تمام کتابش برمی‌انگیزد (ص ۵۰۷، ح ۷)؛

۴۳. امام جعفر صادق: همواره بر روی زمین صاحب علمی، به میراث از رسول خدا و از امام علی بن ابی طالب، هست که مردم به او نیازمندند و او به کسی نیاز ندارد (ص ۵۱۰، ح ۱۶)؛

۴۴. امام جعفر صادق: امام علی بن ابی طالب عالم این امت بود و علم به میراث می‌رسد و نمی‌میرد از ما کسی مگر آن که می‌بیند از فرزندان کسی را که علم او را داراست و زمین هیچ‌گاه بدون امامی که امت از او یاری بخواند نیست (ص ۵۱۱، ح ۲۰)؛

۴۵. امام جعفر صادق: خداوند، همواره و همیشه، در میان ما، اهل بیت، کسی را برمی‌انگیزد که کتابش را از ابتدا تا انتها می‌داند (ص ۱۹۴، ح ۶)؛

۴۶. منصور دوانیقی (دومین خلیفه عباسی): همواره از میان اهل بیت نبوت شخصی محدث

خواهد بود و محدث روزگار ما جعفر بن محمد است (ص ۲۴۵، ح ۷)؛

گروه دهم: شناخت هر امام نسبت به جانشین خود

۴۷. امام محمد باقر: هنگام مرگ هریک از ما، جانشین او به جایش خواهد نشست (ص ۴۰۰، ح ۱۲)؛

۴۸. امام محمد باقر: هیچکس از ما نیست مگر آن که خداوند، پس از مرگ او، کسی را مانندش قرار می‌دهد (ص ۵۰۹، ح ۱۱)؛

۴۹. امام محمد باقر: ما وجه خداوندیم که هلاکت نیابد. تا روز قیامت، نخواهد بود از ما مگر آن که پس از مرگش، جانشینی از جانب خود خواهد داشت (ص ۶۵، ح ۲)؛

۵۰. امام محمد باقر: نیست از ما، اهل بیت، که پیش از مرگ جانشین خود را که به وراثت از رسول خدا و امام علی بن ابی طالب دانش او یا آنچه را خداوند مشیت کند داراست، خواهد دید (ص ۳۲۷، ح ۶)؛

۵۱. امام محمد باقر: علمی که با آدم نازل شد، بر حال خودش است و هرگز عالمی از ما نمیرد، مگر آن که از اهلش جانشینی دارد که علم او را داراست و علی بن ابی طالب عالم این امت بود (ص ۱۱۶، ح ۶)؛

۵۲. امام محمد باقر: همانا علمی که با آدم فرود آمد، بالا نرفت و علم به میراث می‌رسد و علی بن ابی طالب عالم این امت بود و عالمی نمی‌میرد، مگر آن که کسی را به جای خود می‌گذارد که علم او یا آنچه را که خداوند مشیت کند، می‌داند. (ص ۱۱۶، ح ۱۰)؛

۵۳. امام محمد باقر: امام علی بن ابی طالب

عالم این امت است و علم به میراث می‌رسد و هیچ‌گاه از آن عالمان کسی نمیرد، مگر آن که کسی از اهلش که مانند علم او را می‌داند، به او [نشان] داده شود (ص ۱۱۸، ح ۳)؛

۵۴. امام محمد باقر: امام امامی را که پس از اوست، می‌شناسد (ص ۴۷۴، ح ۶)؛

۵۵. امام جعفر صادق: هیچکس از ما نیست مگر آن که خداوند، پس از مرگ او، کسی را مانندش قرار می‌دهد (ص ۵۱۰، ح ۱۵)؛

۵۶. امام جعفر صادق: زمین بدون امام رهاننده است. هر امامی امام پس از خود را می‌شناسد (ص ۵۱۶، ح ۴۴)؛

۵۷. امام جعفر صادق: هیچ عالمی از ما نمی‌میرد، مگر آن که کسی از اهل او، که به علم او و یا به آنچه خداوند مشیت کرده آگاه باشد. جانشینش خواهد شد (ص ۱۱۴، ح ۱)؛

امام محمد باقر: خداوند هیچ‌گاه زمین را بدون عالمی از وارثان رسول خدا و علی بن ابی طالب که آگاه به حلال و حرام است و مردم به او نیازمندند و او به ایشان نیازی ندارد، رها نخواهد کرد (ص ۳۲۷، ح ۷).

گروه یازدهم: امانات

۶۷. امام محمد باقر در تفسیر آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»: امامت امانتی است که هر امام به امام پس از خود باید برساند (ص ۴۷۵، ح ۱)؛

۶۸. امام محمد باقر در تفسیر آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»: امامت امانتی است که هر امام به امام پس از خود باید برساند (ص ۴۷۵، ح ۲)؛

۶۹. امام محمد باقر در تفسیر آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»: کتاب‌ها و سلاح امانتی است که هر امام به امام پس از خود باید بسپارد (ص ۴۷۵، ح ۴)؛

۷۰. امام جعفر صادق در تفسیر آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»: خداوند به امام نخست دستور داده تا هرآنچه را که نزد اوست به امام پس از خود بسپارد (ص ۴۷۶، ح ۶)؛

۷۱. امام جعفر صادق در تفسیر آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»: امانت‌ها، امانت به سوی امام و وصیت است (ص ۴۷۶، ح ۷)؛

۷۲. امام ابوالحسن (امام موسی کاظم یا امام رضا) در تفسیر آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»: امامان از آل محمد امانت را به امام پس از خود - که آن امانت ویژه اوست - باید بسپارند (ص ۴۷۶، ح ۵)؛

۵۸. امام جعفر صادق: هیچ کسی از ما نخواهد مرد مگر آن که جانشین خود را که مانند اوست، برخواهد گزید. هنگامی که قائم آل محمد بپایخیزد، به حکم داود (بدون پرسش از دلیل و بینه) داوری خواهد کرد (ص ۲۵۹، ح ۵)؛

۵۹. امام جعفر صادق: هیچ عالمی نمیرد، مگر آن که خداوند جانشینش را به او می‌نمایاند (ص ۴۷۳، ح ۱)؛

امام محمد باقر: علی بن ابی طالب عالم این امت است و علم به میراث می‌رسد و هیچ‌گاه از آن عالمان کسی نمیرد، مگر آن که کسی از اهلش که مانند علم او می‌داند، به او [نشان] داده شود (ص ۱۱۸، ح ۳).

۶۰. امام جعفر صادق: هیچ امامی که از جانب خداوند برگزیده شده نمیرد، مگر آن که خداوند وصیش را به او می‌نمایاند (ص ۴۷۳، ح ۴)؛

۶۱. امام جعفر صادق: هیچ مردی از ما نمیرد، مگر آن که ولی خود را خواهد شناخت (ص ۴۷۴، ح ۱)؛

۶۲. امام جعفر صادق: همانا امام امامی را که پس از اوست شناخته و به او وصیت می‌کند (ص ۴۷۴، ح ۲)؛

۶۳. امام جعفر صادق: امام نمی‌میرد، مگر آن که امام پس از خود را می‌شناسد (ص ۴۷۴، ح ۳)؛

۶۴. امام جعفر صادق: امام امامی را که پس از اوست، می‌شناسد (ص ۴۷۴، ح ۴)؛

۶۵. امام جعفر صادق: امام امامی را که پس از اوست، می‌شناسد (ص ۴۷۴، ح ۵)؛

۶۶. امام جعفر صادق: هر امامی نطفه امام پس از خود را می‌شناسد (ص ۴۷۷، ح ۱۳)؛

بررسی و تحلیل روایت‌های بخش ششم

صاحب شب قدر در هر زمان امام آن زمان است. امامان «محدّث» (دارای توان سخن‌گفتن با فرشتگان) و آگاه به علم قرآن تا ابد هستند. ایشان صاحب «مقام توّسم» (شناخت کامل مخاطب) هستند که آن را از پیامبر اسلام به میراث برده‌اند و در نسل ایشان پی گرفته خواهد شد. زمین هیچ‌گاه (تا چهل روز مانده به قیامت) بدون امام (حجت خداوند و عالم زمان) نخواهد بود. این امامان از «آل محمد» و از نسل امام علی بن ابی طالب هستند و هرکدام از ایشان جانشین خود را می‌شناسد و «امانت» (مقام امامت، کتاب‌ها و سلاح) را به او خواهد سپرد.

نتیجه‌گیری

این مقاله، نخستین پژوهش از سلسله پژوهش‌هایی در بررسی دیدگاه‌های امید قائم مقامی (دانشیار مطالعات عربی و خاورمیانه در دانشگاه ایالتی نیویورک و از پیروان آیین بهائی) در حوزه مطالعات مهدویت بود که مقدمه‌ی آن سلسله پژوهش‌ها در مقاله میرزا حسین نوری طبرسی و آیین‌های بابی و بهائی به دست داده شده است. این دیدگاه‌ها را در کتاب *Encounters with the Hidden Imam in Early and Pre-Modern Twelver Shi'it Islam* (مواجهات با امام غایب در اسلام شیعی اثنی عشری متقدم و پیشامدرن) می‌توان یافت که در اصل پایان‌نامه دکتری مطالعات اسلامی

نویسنده‌اش بوده و با راهنمایی استاد هم‌کیش او، تاد لاونسن، در دانشگاه تورنتو به پایان برده شده و در سال ۲۰۲۰ م. با همکاری انتشارات Brill در هلند به چاپ رسیده است.

آنچه در این مقاله آمد، گویای دو دست تحلیل و نتیجه‌گیری است. بخش نخست به نقد دیدگاه‌های کتاب *مواجهات با امام غایب* در نگاهش به جایگاه دو آموزه خاتمیت دیانت اسلام و مهدویت امام دوازدهم در کتاب *بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد* (نوشته محمد بن حسن صفار قمی، د. ۲۹۰ ق. ۰) پرداخته و بخش دوم آن آموزه‌ها را در آن کتاب نشان داده است.

بخش نخست نکات زیر را گویاست:

۱. نویسنده کتاب *مواجهات با امام غایب* خواسته تنها با بررسی یکی از صدها مکتوب نگاشته‌شده در دوره حضور امامان یا بسیار نزدیک به آن دوره (کتاب *بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد*) درباره نوع نگاه شیعیان به غیبت نتیجه‌گیری کند. این رویکرد، از نگاه روش‌شناسانه، آشکارا نادرست است، چرا که بدون دیدن مدارک گوناگون حکمی کلی و عمومی داده است؛

۲. این محقق در تحلیل‌های خود بر کتاب *بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد*، به نام آن و نیز ماهیت موضوعی آنچه در آن آمده، هیچ توجهی نداشته و خواسته تا کتابی را که درباره

چاپش در کتابی با ظاهر علمی و با همکاری یک ناشر معتبر جهانی است؛

۵. وی با دست گذاشتن تنها بر دو روایت گویای انتقال ودایع علم از پیامبر اسلام به امام علی بن ابی طالب و نادیده گذاشتن عامدانه روایت‌های آشکارا گویای خاتمیت دیانت اسلام در کتاب *بصائر الدرجات*، به تحریف تاریخ دست زده و خواسته آن دو روایت را در مسیر برانگیختگی پیامبری پس از پیامبر اسلام وارونه کند. آنچه این تحریف را ناشایست‌تر می‌کند، سخن او در «مغفول ماندن» این دو روایت در ادبیات دانشگاهی است.

نکات پنج‌گانه بالا ناپذیرفتنی بودن تحلیل کتاب *مواجهات با امام غایب* در بررسی کتاب *بصائر الدرجات* را از نگاهی روش‌شناسانه گویاست و سیرت تحریف‌گرایانه بالای نویسنده‌اش در صفحه‌های ۲۳ تا ۲۶ آن را می‌رساند، سیرتی که نمونه‌های دیگری از آن در مقاله میرزا حسین نوری طبرسی و آیین‌های بابی و بهائی به دست داده شده است. همچنین، دیده می‌شود که نویسنده، باورهای برخاسته از آیین بهائی را، بی آن که آشکارشان کند، در این کتاب آورده و خواسته تا آن‌ها را با نمایی علمی به خواننده منتقل کند. روشن است که این گونه پژوهش از کارنامه علمی مطلوبی برخوردار نیست.

بخش دوم نیز همان گونه که گذشت، جایگاه خاتمیت دیانت اسلام و مهدویت امام دوازدهم

«فضائل آل محمد» بوده و از اساس برای بررسی تعداد امامان و غیبت امام دوازدهم نوشته نشده، بستر نتیجه‌گیری منفی درباره اصالت آن دو ویژگی بنیادین مذهب تشیع بنمایاند؛

۳. وی نگارش کتابی با نام *الملاحم* از سوی نویسنده کتاب *بصائر الدرجات* را در تحلیل خود وارد نکرده است. باید گفت که این کتاب درباره رخداد‌های آخرالزمان و مشخصه‌های ظهور مهدی است و طبیعی است که آنچه محدثان شیعی مذهب در این باره از محمد بن حسن صفار بازگفته‌اند، می‌تواند مواد آن کتاب از میان رفته نیز باشد. نادیده بودن کتاب *الملاحم* در بستر تحلیلی کتاب *مواجهات با امام غایب* در بررسی نسبت کتاب *بصائر الدرجات* با غیبت و مهدویت امام دوازدهم کاستی روشی دیگری است که نتیجه‌گیری منفی آن را با چالشی بنیادین روبه‌رو می‌کند؛

۴. این محقق، از روی باور به آیین بهائی، مانند پیشوای خود، میرزا حسینعلی بهاءالله، و نیز بسیاری از داعیان هم‌کیش خود، به روایت‌های گویای واژه «جدید» درباره قائم آل محمد نگاهی گزینشی داشته و با نادیده گذاشتن بیشتر آن‌ها که آن واژه را به معنای «کهفته دوباره تازه‌شده» گرفته و از زنده شدن دیانت اسلام با ظهور قائم آل محمد و نه نسخ آن از سوی او سخن می‌گویند، به تحریف عامدانه سنت شیعی روی آورده است. آنچه این تحریف را ناشایست‌تر می‌کند، انجام آن در یک پایان‌نامه دکتری در دانشگاهی معتبر و

را در کتاب *بصائر الدرجات* گویاست:

۱. امامان آل محمد (اوصیاء پیامبر اسلام) دوازده تن هستند یکی پس از دیگری: ۱. امام علی بن ابی طالب؛ ۲. امام حسن بن علی؛ ۳. امام حسین بن علی؛ ۴. امام علی بن الحسین و ۱۲. قائم آل محمد؛

۲. امامان آل محمد (اوصیاء پیامبر اسلام)،

همگی، مهدی

(هدایت شده) و محدث (دارای توان سخن گفتن با فرشتگان) بوده و مانند پیامبر اسلام اند، مگر در ویژگی نبوت؛

۳. قائم آل محمد وصی دوازدهم پیامبر اسلام است؛

۴. قائم آل محمد صاحب علم الاهی، صاحب سلاح پیامبر اسلام، شکافنده

«احادیث صعب و مستصعب» اهل بیت و گوپای امر عظیم ایشان و مجری سنت‌های دیانت اسلام است؛

۵. قائم آل محمد به حکم داود نبی (بدون پرسش از دلیل و بینه) داوری خواهد کرد و مجرمان را خواهد شناخت و خواهد کشت؛

۶. قائم آل محمد صاحب «مثال جدید» (ذبح) و «جفراحمر» (قتل) است و با ظهور او، سرانجام، دین اسلام به اساس خود باز خواهد گشت؛

۷. ویژگی‌های آخرالزمانی مهدی همان ویژگی‌های قائم آل محمد (امام دوازدهم) است، پس مهدی آل محمد و صاحب نهایی امر همان قائم آل محمد و دوازدهمین وصی پیامبر اسلام است و در مکه، همراه با ۳۱۳ تن از یاران خویش، به پا خواهد خاست؛

۸. ملک عظیم به اهل بیت پیامبر اسلام باز خواهد گشت؛

۹. دیانت اسلام آخرین راه برگزیده خداوند در این جهان است و پیامبر اسلام، چون بر پایه قرآن «خاتم الانبیاء» است، «خاتم المرسلین» هم خواهد بود؛

۱۰. زمین هیچ‌گاه از امامان آل محمد از نسل امام علی بن ابی طالب (اوصیاء محدث و متوسم پیامبر

اسلام و آگاهان از علم قرآن و صاحبان شب قدر) خالی نیست؛

۱۱. هریک از امامان آل محمد، جانشین خود را می‌شناسد و باید مقام امامت، کتاب‌ها و سلاح را - که همان «امانت» هستند - به او بسپارد.

نکات پنج‌گانه بالا ناپذیرفتنی بودن تحلیل کتاب *مواجهات با امام غایب* در بررسی کتاب *بصائر الدرجات* را از نگاهی روش‌شناسانه گویاست و سیرت تحریف‌گرایانه بالای نویسنده‌اش را در صفحه‌های ۲۳ تا ۲۶ آن می‌رساند، سیرتی که نمونه‌های دیگری از آن در مقاله *میرزا حسین نوری طبرسی و آیین‌های بابی و بهائی* به دست داده است.

دقت در این نکات گویای آن است که کتاب *بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد*، با آن که کتابی خارج از حوزه مطالعات مهدویت بوده، به خودی خود، مشخصه‌های مهمی از این آموزه را به دست داده است، مشخصه‌هایی که از سوی

نویسنده کتاب *مواجهات با امام غایب* عامدانه ناگفته

گذاشته شده‌اند. همچنین، از آن روی که کتاب *بصائر الدرجات* یکی از آثاری است که از دوره حضور امامان شیعیان یا بسیار نزدیک به آن دوره باقی مانده و انتساب آن به نویسنده‌اش - که از یاران امام حسن عسکری بوده و در شمار بزرگ‌ترین محدثان شیعی مذهب شناخته می‌شود - قطعی و یقینی است، موادش در شناخت اصالت باورهای مذهب تشیع از جایگاه بسیار مهمی برخوردارند و سابقه بسیاری از باورهایی را که در نگاه برخی داعیان اصلاح دین خرافه و غلو خوانده می‌شوند، به زمان حضور امامان بازمی‌گردانند، آن هم از نگاه کسی که بزرگی‌اش را کسی منکر نشده است.^۱

دقت در این نکات گویای آن است که کتاب *بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد*، با آن که کتابی خارج از حوزه مطالعات مهدویت بوده، به خودی خود، مشخصه‌های مهمی از این آموزه را به دست داده است، مشخصه‌هایی که از سوی نویسنده کتاب *مواجهات با امام غایب* عامدانه ناگفته گذاشته شده‌اند.

می‌توان گفت که کتاب *بصائر الدرجات*، به خودی خود و فارغ از روایت‌های مهدویتی منقول از محمد بن حسن صفار در آثار دیگران و نیز بدون نگاه به نگارش کتاب *الملاحم* از سوی او، نگاهش به خاتمیت دیانت اسلام و مهدویت امام دوازدهم را گویاست:

محمد بن حسن صفار اوصیاء پیامبر اسلام را دوازده تن می‌دانست و یازده تن ایشان را از نسل امام علی بن ابی‌طالب می‌دید و خود از یاران یازدهمین آن دوازده تن، امام حسن عسکری، بود و قائم آل محمد را دوازدهمین ایشان می‌گفت و چنان می‌یافت که زمین هیچ‌گاه از حجت خداوند خالی نخواهد بود و هر حجتی جانشین خود را شناخته و امانات را به او می‌دهد و بر آن بود که قائم آل محمد (وصی دوازدهم) با یاران سی‌صد و سیزده‌گانه خود در مکه به پا خواهد خاست و با «مثال جدید» (ذبح) و «جفر احمر» (قتل) دیانت اسلام (دیانت پایانی جهان) را به اساس خود باز خواهد گرداند و ملک عظیم را به اهل بیت پیامبر اسلام خواهد رساند، پس منطقی است پذیرفته شود که او در سی سال پایانی حیات خود (۲۶۰ تا ۲۹۰ ق.م)، به امام دوازدهم و وصی امام حسن عسکری (د. ۲۶۰ ق.م) باور داشت و قائم آل محمدش می‌دانست؛

۱. برای آشنایی با این داعیان و افکارشان، نک: سید مقداد نبوی رضوی، اندیشه اصلاح دین در ایران، مقدمه‌ای تاریخی.

بنابراین، آنچه از او دربارهٔ ولادت امام دوازدهم و غیبتش در آثار دیگران بازگفته شده، به او منسوب می‌شود و باید گفت که در نگاه او، قائم آل محمد فرزند امام حسن عسکری بود که در ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ ق. در سامراء به دنیا آمد و تا زمان ظهور خود در پس پرده‌ی غیبت است.

خداوند را به خود ندید، به ویژه آن که نخستین روایت «مغفول»ی که او به نادرستی بر آن دست گذاشته نیز در گزارش نامعتبر او، «به نظر می‌رساند که بعد از محمد، همیشه امامی حاضر خواهد بود تا پیامبر بعدی»، اما باورداشت بهائی او حتی با این روایت برگزیده‌ی نادرست بررسی شده نیز

پس منطقی است پذیرفته شود که او در سی سال پایانی حیات خود (۲۶۰ تا ۲۹۰ ق.)، به امام دوازدهم و وصی امام حسن عسکری (د. ۲۶۰ ق.) باور داشت و قائم آل محمدش می‌دانست؛ بنابراین، آنچه از او دربارهٔ ولادت امام دوازدهم و غیبت او در آثار دیگران بازگفته شده، به او منسوب می‌شود و باید گفت که در نگاه او، قائم آل محمد فرزند امام حسن عسکری بود که در ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ ق. در سامراء به دنیا آمد و تا زمان ظهور خود در پس پرده‌ی غیبت است.

این بر محققانی چون نویسندهٔ کتاب *مواجهات با امام غایب* است که آنچه را که در کتاب *بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد* در وجود همیشگی حجت خداوند بر روی زمین بسیار دیده و انتسابش به امامان اهل بیت (از نگاه بهائیان: حجت‌های خداوند در

ناهمسان است، چرا که آن «همیشه» به مدت هزار سال «ناهمشیه» شد.

دوران سپری‌شده‌ی اسلام) به سبب تواتر لفظی و تواتر معنوی یقینی است، محکی بر سنجش

کتابنامه

ماجة. تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي، دار إحياء الكتب العربية عيسى البابي الحلبي وشركاه. الترمذی، الحافظ ابو عيسى محمد. الجامع الصحيح و هو سنن الترمذی. تحقیق: إبراهيم

ابن أبي شيبة، الحافظ عبدالله. الكتاب المصنف في الأحاديث و الآثار. تحقیق: مختار أحمد الندوی، بومبائی، الدار السلفية. ابن ماجة القزوينی، الحافظ محمد. سنن ابن

شاهرودی، شیخ احمد. حق المبین. به کوشش
محمدحسن قدردان قراملکی، تهران، انتشارات
امیرکبیر، ۱۳۹۲.

شیخ الممالک قمی، شیخ مهدی. تاریخ
بی غرض: جنبش باب و جنبش مشروطیت به
روایت مورخی بابی و مشروطه خواه. به کوشش
سیدمقداد نبوی رضوی، تهران، نشر نگاه معاصر،
۱۳۹۹.

الصفار، محمد بن الحسن. بصائر الدرجات فی
فضائل آل محمد. عليهم السلام. قم، مكتبة آية
الله المرعشي، ۱۴۰۴ ق.

الطوسي، محمد بن الحسن. الفهرست. تحقيق:
السيد محمدصادق بحرالعلوم، النجف
الأشرف، المكتبة المرتضوية، بی تا.

— . كتاب الغيبة. تحقيق: عبدالله تهراني و علي
أحمد ناصح، قم، دار المعارف الإسلامية، ۱۴۱۱
ق.

الطهراني، الشيخ آغابزرگ. الذريعة إلى تصانيف
الشيعة. بيروت، دار الأضواء، ۱۴۰۳ ق.

العاملي الكفعمي، الشيخ إبراهيم. البلد الأمين
و الدرع الحصين. بيروت، مؤسسة الأعلمی
للمطبوعات، ۱۴۱۸ ق.

الفتية الإيماني، الشيخ مهدی. الإمام المهدي
عند أهل السنة. طهران، المجمع العالمي لأهل
البيت.

القمي، جعفر بن محمد بن قولويه. كامل الزيارات.
تحقيق: عبدالحسين الأميني، النجف الأشرف،

عطوة عوض، شركة مكتبة و مطبعة مصطفى
البابى الحلبي و أولاده بمصر.

ثقة الاسلام التبريزي، الميرزا علي. مرآة الكتب.
تحقيق: محمدعلي الحائري و علي الصدرائي
الخوئي، قم، كتابخانه عمومي حضرت آية الله
العظمي مرعشي نجفي، ۱۴۱۴ ق.

جعفري رباني، مجيد. جستارهاي درباره بصائر
الدرجات الكبرى. قم، مؤسسه فرهنگي هنري
امامت اهل بيت، ۱۳۹۴.

الحاكم النيشابوري، الحافظ أبو عبدالله.
المستدرک علی الصحیحین. و بذيله «التلخیص»
للحافظ الذهبي، بإشراف يوسف عبدالرحمن
المرعشلي، بيروت، دار المعرفة.

الحسني، السيد علي بن الطاووس. الملاحم و
الفتن في ظهور الغائب المنتظر. بيروت، مؤسسة
الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳ ق.

الحسيني الزبيدي الواسطي، محمد مرتضى. تاج
العروس من جواهر القاموس. تحقيق: علي الهلالي
و علي السيري، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۴ ق.

الخزاز الرازي، علي بن محمد. كفاية الأثر في
النص على الأئمة الاثني عشر. تحقيق: السيد
عبداللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي، قم،
انتشارات بيدان، ۱۴۰۱ ق.

شاه آبادي، محمدحسن. مهر بي کران: نگاهي
به رأفت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ. قم، انتشارات مسجد
مقدس جمکران، ۱۳۹۸.

- دارالمرتضویة، ۱۳۵۶. ق.
- القمی، علی بن ابراهیم. تفسیر القمی. تحقیق: السيد طیب الموسوی الجزائري، قم، دار الكتاب، ۱۴۰۴ ق.
- القمی، علی بن الحسین بن بابویه. الإمامة و التبصرة من الحيرة. قم، مدرسة الإمام المهدي. عجل الله فرجه، ۱۴۰۴ ق.
- القمی، محمّد بن علی بن موسی بن بابویه. الأمالی. تهران، انتشارات کتابچی، ۱۳۷۶.
- . ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. قم، دار الشريف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ ق.
- . الخصال. تحقیق: علی أكبر الغفاری، قم، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۳۶۲.
- . علل الشرايع. قم، مكتبة الداوری، ۱۳۸۵ ق.
- . عیون أخبار الرضا عليه السلام. تحقیق: السيد مهدي الحسينی اللاجوردی، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
- . فضائل الأشهر الثلاثة. تحقیق: الشيخ غلامرضا عرفانیان الیزدی، قم، کتابفروشی داوری، ۱۳۹۶ ق.
- . فضائل الشيعة. تهران، الأعلمی، بی تا.
- . کتاب التوحيد. تحقیق: السيد هاشم الحسينی الطهرانی، قم، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۳۹۸ ق.
- . کمال الدین و تمام النعمة. تحقیق: علی أكبر الغفاری، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۹۵ ق.
- . معانی الأخبار. تحقیق: علی أكبر الغفاری، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۴۰۳ ق.
- . من لا يحضره الفقيه. تحقیق: علی أكبر الغفاری، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۴۱۳ ق.
- الکلبینی، محمّد بن یعقوب. الکافی. تحقیق: علی أكبر الغفاری. تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
- المجلسی، محمّد باقر. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- نبوی رضوی، سید مقداد. اندیشه اصلاح دین در ایران، مقدمه ای تاریخی. تهران، انتشارت شیراز، کتاب ما، ۱۳۹۶.
- النجاشی، أحمد بن علی. رجال النجاشی. تحقیق: السيد موسی الشبیری الزنجانی، قم، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۳۶۵ ش.
- Ghaemmaghami, Omid. **Encounters with the Hidden Imam in Early and Pre-Modern Twelver Shī'ī Islam.** Leiden, Brill, 2020.